

نظام حقوقی حاکم بر حفاظت از محیط زیست دریایی خلیج فارس

دکتر محمد تقی رضائی

استادیار حقوق بین الملل دانشکده حقوق و علوم انسانی پیام نور تهران ایران

حمیده پرهام

دانشجوی دوره دکتری حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور واحد امارات متحده عربی

چکیده

محیط زیست دریایی خلیج فارس به علت شرایط اکولوژیک خاصی که دارد و بهره گیری هایی که از این محیط و منابع آن می شود در معرض مخاطراتی به طور مستمر قرار گرفته است. خلیج فارس در زمره یکی از با ارزش ترین زیست بومهای آبی جهان محسوب می گردد که با وجود متنوع ترین روش های گرمسیری، گونه های مختلف جانداران آبی و دارای شرایط بسیار ویژه ای است که محیط زیست آنرا تبدیل به محیطی بسیار حساس و شکننده کرده است. متأسفانه در سالهای اخیر عوامل مختلفی چون افزایش جمعیت، توسعه شهرنشینی، گسترش صنعت، استفاده غلط از منابع طبیعی و... باعث بروز آلودگی شدید و زیست محیطی این منطقه گردیده است. زندگی صنعتی بشر امروزی بیش از هر پهنه آبی بر پیکر بی دفاع خلیج فارس آثار مخرب خود را نشان داده است. عبور و مرور انواع شناورها و تخلیه مواد آلاینده آنها به خلیج فارس، تخلیه انواع مواد شیمیایی خطرناک و از عمده ترین عوامل آلودگی محیط زیست دریایی خلیج فارس به شمار می آید که توانسته اند در اندک زمانی اکوسیستم بی نظیر آنرا تا ۴۷ برابر حد طبیعی آلودگی، آلوده نماید و بدین طریق آبریان و موجودات آن را با خطر نابودی مواجه سازند. با توجه به اهمیت حفاظت از محیط زیست خلیج فارس، به جنبه های حقوقی حفاظت محیط زیست خلیج فارس پرداخته شده است تا ضمن بررسی قوانین و مقررات مربوطه، به خلأهای حقوقی آن اشاره و راهکارهایی برای رفع کاستی های آن ارائه گردد.

واژگان کلیدی: محیط زیست دریایی، خلیج فارس، نظام حقوقی، منابع آلوده کننده، پاسخ حقوقی

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

fifth year, Issue 18

Pages 1-35

The legal system governing the protection of the Persian Gulf marine environment

Dr. Mohammad Taghi
Rezaei

Assistant Professor of International Law, Faculty of Law and Humanities, Payam Noor
University, Tehran, Iran

Hamideh Parham

PhD Student in International Law, Payam Noor University, UAE Branch

Abstract

The marine environment of the Persian Gulf is continuously exposed to risks due to its special ecological conditions and the exploitation of this environment and its resources. The Persian Gulf is considered one of the most valuable aquatic ecosystems in the world, which, despite the most diverse tropical methods, different species of aquatic organisms, etc., has very special conditions that turn its environment into a very sensitive and fragile. Unfortunately, in recent years, various factors such as population increase, urbanization development, industrial expansion, wrong use of natural resources, etc. have caused severe environmental pollution in this area. Today's human industrial life has shown its destructive effects on the defenseless body of the Persian Gulf more than any body of water. The passage of all kinds of vessels and their discharge of polluting substances into the Persian Gulf, the discharge of various dangerous chemicals, etc. are among the major factors of pollution of the marine environment of the Persian Gulf, which have been able to damage its unique ecosystem to 47 in a short period of time. They pollute according to the natural level of pollution and in this way they face the danger of destruction of aquatic life and its creatures. Considering the importance of protecting the environment of the Persian Gulf, the legal aspects of the protection of the environment of the Persian Gulf have been discussed in order to point out its legal loopholes and provide solutions to solve its shortcomings while examining the relevant laws and regulations

Keywords: Marine environment, Persian Gulf, legal system, polluting sources, legal response

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

یکی از زیستگاه‌های بسیار شگفت‌انگیز، مهم و منحصر به فرد، محیط زیست دریایی (میدوز، ۱۳۸۱: ۲) است. اقیانوس‌های جهان حدود ۷۰ درصد سطح زمین را پوشانده‌اند. مناطقی از آنها دارای عمقی بیش از ۱۰۰۰۰ متر می‌باشند. در نیم کره جنوبی زمین ۸۰ درصد و در نیم کره شمالی ۶۰ درصد از سطح زمین را آب فرا گرفته است. (همان: ۲۵) نخستین آذرخش‌های حیات در ۳۵۰۰ میلیون سال پیش، از دریا برخاست. (نبی پور، ۱۳۸۹: ۶۳)

محیط زیست دریایی منبع فراورده‌های طبیعی زیستی و فعال استثنایی است که شبیه آن در دیگر محصولات طبیعی گیاهان و جانوران خشکی زی دیده نمی‌شود.

خداوند در سوره مبارکه نمل، آیه شریفه ۱۴ به صراحت از دریاها به عنوان منبع مهمی برای ادامه حیات انسان و موجودات روی زمین که در خدمت بشر قرار گرفته نام می‌برد و می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِبًا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً ... : و هم او خدایی است که دریاها را برای شما مسخر کرد تا از گوشت (ماهیان حلال) آن تغذیه کنید و از زیورهای آن استخراج کرده و تن را بیارابید و کشتی‌ها در آن برانید تا از فضل خدا روزی طلبید، باشد که شکر خدا را بجا آرید.»

اهمیت دریاها و اقیانوسها در حمل و نقل، شیلات، تامین انرژی، برخورداری از منابع عظیم معدنی و سهم آنها در برقراری توازن زیست محیطی بر همگان آشکار است. خلیج فارس دریایی است که درمقابل آلودگی بسیار آسیب پذیر است. خصوصیت نیمه بسته بودن خلیج فارس همراه با

پایین بودن میزان جابجایی و تبادل آب با اقیانوس هند، کمبود میزان بارندگی سالانه و کافی نبودن آبهای ورودی به محیط همراه با تبخیر بیش از اندازه آب، به هطور طبیعی ظرفیت خلیج فارس را در زمینه پخش و پراکندگی و خود پالایی آلودگی‌ها محدود ساخته است. متأسفانه در منطقه خلیج فارس آلودگی‌های نفتی، آلودگی‌های ناشی از جنگ خلیج فارس یا جنگ نفت از جمله آتش کشیدن تمامی چاه‌های نفت کویت به وسیله عراق، میزان مواد منفجره و مناطق بمباران شده، ضایعات و خسارات ناشی از جنگ، حملات موشکی و زمین و دریایی و غیره در ابعاد وسیع و گوناگون خساراتی بسیار حاد در بخش وسیعی از منطقه برجای نهاده است که برخی از آنها غیر قابل جبران و بسیاری از آنها تا دراز مدت گریبان گیر مردم و کشورهای این منطقه خواهد بود (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۸۷)

خلیج فارس شاهراه انتقال انرژی و نیز یکی از اصلی‌ترین مسیرهای ترانزیت کالا به اقصای نقاط جهان به شمار می‌آید، علی‌رغم این مزایا متأسفانه این پهنه زیبای آبی مدفن و مخزن انواع آلاینده‌های بسیار خطرناک نیز می‌باشد. در عرصه بین‌الملل حق برخورداری از محیط زیست سالم در ردیف حقوق بنیادین و بشری شناخته می‌شود. از این رو توجه به ملاحظات محیط زیستی، شناخت چالش‌های موجود و پیش روی دولت‌ها به عنوان مهمترین اولویت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی لازم است.

امروزه حقوق بین‌الملل دریاهای به گونه ای توسعه یافته است که خود گرایش های تخصصی از جمله حقوق بین‌الملل محیط زیست دریایی را در بر می گیرد^۳ و باید توجه داشت که حقوق بین‌الملل دریاهای یا حقوق دریاهای با حقوق دریایی تفاوت دارد، حقوق دریایی^۴ شاخه ای از حقوق داخلی است. (خسروشاهی، ۱۳۹۸: ۵۰۴)

موقعیت خلیج فارس خلیج فارس مانند دالانی است که بین ۳۰ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۴۸ دقیقه طول شرقی واقع شده، حدود آن از شمال و شمال شرقی به سواحل ایران، از شرق به خلیج عمان، از جنوب و غرب به شبه جزیره عربستان محدود می باشد. گودی خلیج فارس نسبت به موقعیت آن فرق میکند. این عمق در دهانه خلیج ۷۰ تا ۹۰ متر است و هر قدر به طرف بالای خلیج پیش رویم کمتر شود و به مسافت ۹۰ کیلومتری تا دهانه شط ۳۰ متری میرسد در صید گاههای مروارید، عمق خلیج فارس کمتر از ۳۶ متر است. مساحت خلیج فارس ۹۷۰۰۰ میل مربع یا ۲۵۱۳۰۰ کیلومتر مربع بوده و پس از خلیج مکزیک و خلیج هودسن سومین خلیج بزرگ جهان به شمار می آید. طول آن از سواحل عمان تا راس خلیج در حدود ۵۰۰ میل یا ۸۰۰ کیلومتر و عرض آن کم و بیش بین ۱۸۰ تا ۲۹۰ میل (تنگه هرمز) یعنی بین ۲۹۰ تا ۵/۴۶ کیلومتر می باشد. خلیج فارس توسط تنگه هرمز به دریای عمان و از طریق آن به دریاهای آزاد مرتبط است و جزایر مهم آن عبارتند از: خارک، ابوموسی،

کارل مارکس، طبیعت را « کالبد غیر ارگانیک بشر » توصیف می کند^۱. زیرا اگرچه افراد به لحاظ فیزیکی جدا از طبیعت به نظر می رسند اما از نظر فیزیکی از غذا، آب و گاز تغذیه می شوند که از محیط طبیعی نشئت می گیرد. چنانچه هر کدام از آنها آلوده یا عفونی شوند افراد نیز آلوده می شوند. (ساتن، ۱۳۹۳: ۱۰۲) محیط زیست دریایی نیز همچون سایر انواع محیط زیست اعم از طبیعی و غیر طبیعی (انسانی) در صورت عدم مواظبت، بی توجهی، آلودگی، تخریب و هر گونه اقدام زیانبار دیگر به نابودی خواهد گرایید. به اعتقاد مارک آنسل، پیامد توسعه معجزه آسای فنون علمی و فن آوری ها در زمینه صنعت شهرسازی و استخراج منابع طبیعی، زندگی افراد را به مخاطره انداخته و آنان را در معرض صدمات متعدد قرار داده است. مبارزه علیه آلودگی محیط زیست (یا آلودگی های محیط زیست)^۲ که یکی از مشکلات بزرگ دنیای کنونی است مسلماً ابعاد وسیعی به خود می گیرد. به باور مارک آنسل، این مسأله چند بعدی مستقیماً به سرنوشت همه انسانها، حمایت جسمانی و بهزیستی آنان، ارزش های اساسی زندگی و اخلاق اجتماعی و به علت وجودی و فلسفه بنیادی جامعه امروزی ارتباط دارد و از دیدگاه سیاست جنایی دفاع اجتماعی، این یک زمینه ترجیحی است که می توان برای آن یک نظام دفاع اجتماعی سنجیده و منسجم به وجود آورد. (آنسل، ۱۳۹۱: ۱۲)

۲- بیان مسئله :

³ The international law of marine environment

⁴ The meantime law

¹ Mans in organic body

² Marin pollution

۴- عهدنامه بروکسل ۱۹۵۲ در مورد متحد کردن برخی از قواعد مربوط به صلاحیت کیفری.

۵- معاهده ۱۹۵۴ لندن در زمینه جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از مواد نفتی، این معاهده در سال ۱۹۶۲، ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱ مورد اصلاح و تجدید نظر قرار گرفت.

۶- عهدنامه های چهارگانه ژنو ۱۹۵۸ در زمینه دریای آزاد، دریای سرزمینی و منطقه نظارت صید ماهی و حفاظت از منابع جاندار دریایی و فلات قاره.

۷- معاهده منع آزمایش های هسته ای در دریا مورخ ۱۹۶۳.

۸- معاهده ۱۹۶۹ در زمینه جلوگیری از مخاطرات و کاهش خطرات ناشی از آلودگی دریاها.

۹- معاهده ۱۹۶۹ در زمینه مسئولیت مدنی بین المللی کشور صاحب پرچم کشتی متخلف در صورت آلودگی دریا بر اثر مواد نفتی که در نتیجه حادثه دریایی روی می دهد.

۱۰- معاهده لندن ۱۹۷۳ در مورد جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی ها.

۱۱- معاهده اسلو ۱۹۷۳ در مورد جلوگیری از « دریاها بر اثر غرق کشتی ها و نفتکش ها ».

۱۲- عهدنامه ۱۹۸۲ در زمینه حقوق دریاها. ۵

تنب بزرگ، تنب کوچک، کیش، قشم، لاوان که تمامی آنها به ایران تعلق دارد. خلیج فارس وسواحل آن معادن سرشار نفت و گاز دارد و مسیر انتقال نفت کشورهایی چون کویت، عربستان و امارات متحده عربی است، به همین دلیل منطقه ای مهم و راهبردی به شمار می آید، بندرهای مهمی در حاشیه خلیج فارس وجود دارد که از آنها می توان بندرعباس، بوشهر، شارجه، ابوظبی، و دوبی را نام برد. (مخدوم، ۱۳۸۶: ۴۱)

حقوق دریاها چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح لازم الاجراست اما ممکن است استثنائاتی از قواعد آن در زمان جنگ به حالت تعلیق در آیند و یا قواعد خاصی در رابطه با زمان جنگ مجرا گردند.

مهمترین معاهدات بین المللی عام در زمینه حقوق دریاها عبارتند از:

۱- عهدنامه بارسلون ۲۰ آوریل ۱۹۲۱ درباره آزادی عبور از دریاها.

۲- عهدنامه و اساسنامه ژنو ۹ دسامبر ۱۹۲۳ در زمینه نظام بین المللی بنادر که در اجرای ماده ۳۷۶ معاهده ورسای منعقد گردیده است.

۳- معاهده ۱۰ آوریل ۱۹۲۶ بروکسل در مورد یکنواخت سازی برخی از قواعد مربوط به مصونیت های کشتی های کشوری.

دریایی) است که به اصول عمومی (مواد ۷۱۹۲ و ۱۹۷)، همکاری جهانی و منطقه‌ای (مواد ۱۹۷ تا ۲۰۲)

خلیج فارس دریایی نیمه بسته و محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است. از نظر راهبردی در منطقه خاورمیانه به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرکز ارتباطی بین این سه قاره است و بخشی از یک سیستم ارتباطی شامل اقیانوس اطلس، دریای مدیترانه، دریای سرخ و اقیانوس هند می‌باشد. این منطقه شامل کشورهای ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان می‌باشد که براساس توافق دهه ۱۹۶۰ ایران و انگلیس، بیش از ۵۱ درصد خلیج فارس متعلق به ایران است. همچنین، منبع مهم انرژی جهان محسوب می‌گردد. در مجموع خلیج فارس از نظر جغرافیای سیاسی، استراتژیک، انرژی، تاریخ و تمدن یک پهنه آبی مهم و حساس می‌باشد و نیز به علت وجود ذخایر عظیم نفت، گاز و گذرگاه تنگه هرمز و نیاز جهان صنعتی به این ذخایر از موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی در عرصه بین الملل برخوردار است و می‌توان به صراحت بیان کرد که روزانه حدود ۲۳ میلیون بشکه نفت توسط کشورهای این منطقه تولید می‌شود. (جعفری ولدانی، ۱۳۹۶: ۳۸)

براساس تخمین‌های موجود، منطقه خلیج فارس دارای بیش از ۶۵ درصد ذخایر نفت و ۳۸ درصد گاز طبیعی است. براساس مطالعات انجام شده پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ اقتضای جهانی نفت به ۱۱۱/۵ میلیون بشکه در روز برسد که در این

۱۳- عهدنامه بین المللی مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان ۱۹۸۸ (ایران با حق شرط پذیرفته است که هر کدام مغایر اسلامی باشد قبول نخواهد شد).

به دلیل جامع بودن کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاهای، از این قانون به قانون اساسی دریاهای ۶ نیز یاد می‌شود. این کنوانسیون از مهمترین و حجیم‌ترین کنوانسیون‌های قاعده ساز در طول تاریخ روابط میان دولت‌ها می‌باشد (راسل، ۱۳۹۴: ۷۶) که یک ساختار کلی را برای مبارزه با آلودگی دریا و حمایت از محیط زیست دریایی ارائه داده است.

با وجود معاهدات متعدد کنفرانس سوم حقوق دریاهای نیازی به پیش بینی موازین دقیقی بر آلودگی دریایی احساس نمی‌کرد و در عین حال چنین مسایل فنی پیچیده‌ای برای طرح در کنفرانس مذکور مناسب نبود. به همین لحاظ کنفرانس ضمن آن که برای اولین بار تکلیف عمومی برای حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی (ماده ۱۹۲) در مقابل کلیه منابع آلودگی (مواد ۲۰۷ تا ۲۱۳) تعیین کرد تلاش خود را بر تعریف حقوق و الزامات مربوط به صلاحیت قانون گذاری و اجرای آن توسط کشور ساحلی کشور صاحب پرچم و کشور صاحب بندر متمرکز نمود.

مقررات این مسایل در مواد ۲۰۷ تا ۲۳۵ و ماده ۲۳۶ عهدنامه‌های حقوق دریاهای دیده می‌شود. در بخش دوازدهم عهدنامه (تحت عنوان حفاظت و نگهداری محیط زیست

^۷ General obligations

^۶ (A constitutional for the seas)

منابع آلودگی محیط زیست دریایی گوناگون هستند که بطور اختصار از مواد ۲۰۷ تا ۲۱۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ نام برده شده که به نظر می‌رسد از آنجائیکه منطقه خلیج فارس همواره در معرض تهدید آلودگی ناشی از دریا و حمل و نقل دریایی بوده است به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی خلیج فارس و هم‌سویی آن با توسعه پایدار پرداخته شود. (ژئوپلیتیک به معنای عوامل جغرافیایی بر سیاست دولت‌هاست) موقعیت جغرافیایی کشورها نقش مهمی در سیاست خارجی آنها دارد که با توجه به ملاحظات جغرافیایی خود سیاست‌گذاری می‌کنند. خلیج فارس یک سمبل از یک منطقه ژئوپلیتیک است. این منطقه مللی را شامل می‌شود که به لحاظ فرهنگی متفاوتند ولی از نظر سیاسی، استراتژیک و اقتصادی هماهنگی و تجانس دارند. (بابازاده، ۱۳۹۴: ۶۰)

این منطقه در برگیرنده کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، عمان، امارات متحده عربی، قطر و بحرین است. (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۵۹)

عواملی همچون عمق کم، شوری آب، گرمی هوا، ارتباط محدود با آبهای آزاد جهان و مسایل ناشی از بهره‌برداری منابع فراوان خلیج فارس، اکوسیستم ویژه‌ای را تشکیل می‌دهد این ویژگی سبب شده تا در برابر منابع آلوده‌کننده به شدت آسیب‌پذیر باشد. تخلیه زباله‌های شهری به خلیج فارس، ورود پساب گرم کارخانه‌ها، تخلیه پساب شور دستگاه‌های آب شیرین‌کن استفاده از ماسه بستر دریا برای فعالیتهای شهرسازی و صنعتی، استفاده از سموم دفع آفات نباتی و کودهای شیمیایی، عملیات اکتشافات و استخراج نفت از بستر دریا، فوران احتمالی چاه‌های نفت، برخورد نفت‌کش‌ها و غرق شدن آنها، تخلیه آب موازنه‌کشی‌ها، حمله نظامی

صورت سهم خلیج فارس افزایش یافته و به ۴۹/۸ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. در نتیجه حمل‌ونقل، منطقه خلیج فارس به یکی از پرترافیک‌ترین آبراهه‌های نفتی دنیا مبدل گردیده است. به طوری که از این آبراه نصف نفت مصرفی دنیا عبور داده می‌شود. گرمای آب دریا در تابستان گاهی به ۳۶ تا ۳۷ درجه در جنوب و ۱۲ درجه در شمال خلیج فارس می‌رسد که میانگین آن در سطح دریا ۲۴ تا ۲۶ درجه است و با شدت گرفتن گرما میزان تبخیر بسیار بالا می‌رود و به ۱۴۰۰ میلیون لیتر در سال می‌رسد اما جذب آلودگی به علت شوری، گرمای آب، جریان‌ها و جریان سطحی آب از دریا به طرف ساحل و هم‌چنین، تبخیر بیش از حد آب‌های سطحی در مقایسه با آب سالم وارده از طریق بارش و آب رودخانه‌ها محدود است. تمامی این شرایط به مقاومت آلودگی آب خلیج فارس کمک می‌نماید. (غناری، ۱۳۹۶: ۴۹)

علاوه بر موارد مطرح شده، خلیج فارس محل ریزش ضایعات صنعتی و فعالیت‌های ساحل کشورهای اطراف خود می‌باشد و فعالیت‌های عمده در خلیج فارس مانند استخراج نفت و رفت و آمد تانکرهای بی‌شمار نفتی از عوامل عمده آلودگی هستند که در کنار منابع خشکی آلودگی قرار گرفته‌اند. آسیب‌پذیری محیط‌زیست دریایی خلیج فارس به آلودگی از این منابع با عامل جغرافیایی دیگر یعنی ترکیب جغرافیایی خلیج فارس به شکل دریای نیمه بسته تشدید می‌گردد. تمامی این شرایط موجب گردید تا به عقیده گروهی از کارشناسان محیط‌زیست دریایی اگر در خلیج فارس اقدام اساسی در جهت رفع آلودگی و مبارزه با آن برداشته نشود، آثار سوء بلندمدتی بر محیط‌زیست دریایی خلیج فارس گذاشته خواهد شد. (جوادی، ۱۳۹۷: ۸۴)

های بین‌المللی کنوانسیون گردد تا اینکه دفاع از امنیت تنگه هرمز و نظارت بر تردد دریایی در این منطقه به موجب موافقت نامه سال ۱۹۷۴ به طور مشترک بر عهده ایران و عمان گذاشته شد. (قهرمانی، ۱۳۹۵: ۷۴)

از میان هشت کشور محصور در این خلیج، کشور ایران و عربستان قدرت منطقه‌ای به شمار می‌روند و عراق نیز چنین و صنعتی را پیش از دهم ۱۹۹۰ داشته است. اما کشورهای دیگر، قدرت‌های کوچک هستند. با وجود این، توجه قدرت‌های بزرگ به منطقه خلیج فارس و وجود دو قدرت منطقه‌ای که رقابت‌ها را در منطقه افزایش می‌دهد در حفظ امنیت منطقه‌ای خلیج فارس بسیار مهم است. (کشتیبان سیرکی، ۱۳۹۸: ۱۵۵)

با توجه به این مطالب واضح است که اساساً اعمال مدیریت زیست‌محیطی در محیطی همچون خلیج فارس و دریای عمان عملاً کاری دشوار و بی‌فایده خواهد بود بنابراین همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس در چهارچوب یک کنوانسیون زیست‌محیطی دور از انتظار نبود تا اینکه در سال ۱۹۷۸ با تدبیری هوشمندانه از سوی کشورهای ایران، عربستان، عراق، کویت، قطر، عمان، بحرین و امارات کنوانسیون همکاری‌های منطقه‌ای کویت در زمینه حفاظت از محیط زیست خلیج فارس و دریای عمان و همچنین موجودیت یافتن سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریایی^۹ به ثمر رسید. این کنوانسیون دولت‌های منطقه را موظف می‌کند در

به نفت کش‌ها و سکوه‌های نفتی. انفجار چاه‌های نفت در اثر جنگ، محیط زیست خلیج فارس را به شدت دچار مخاطره کرده است. علاوه بر اینها تلاش‌های انسان برای دست‌یابی به منابع بیشتر و توسعه اقتصادی، آثار تخریبی فراوانی برای ساکنان کره زمین در پی داشته و به سرعت نیز ادامه دارد تا جایی که ما را در آستانه فاجعه تغییرات آب و هوایی قرار داده و کره زمین را در معرض بحران‌های محیطی گوناگونی از قبیل گرمایش زمین، سیلاب‌ها، گردبادهای شدید، ذوب صفحات یخی و بالا آمدن سطح آب دریاها و به زیر آب رفتن بسیاری از خشکی‌ها قرار داده است. (بیگ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۹۳)

کشورهای حوزه خلیج فارس در مجموع ۴۰ درصد نفت جهان را تولید می‌کنند، تنگه هرمز به عنوان شاه‌رگ اقتصادی ایران، نقش مهمی را از نظر اقتصادی امنیتی و نظامی، استراتژیکی، برای ایران و عمان ایفا می‌کند. تمام صادرات نفت ایران و ۸۰ درصد تجارت خارجی آن از طریق این تنگه انجام می‌شود.

تنگه هرمز همچنین تنها راه مبادلات تجاری عمان با کشورهای خلیج فارس است و موجب شده افزایش اهمیت استراتژیکی ایران و عمان در سطح منطقه و جهان شده است. حدود ۴۰ درصد ترانزیت نفتی جهان از این تنگه می‌گذرد لذا نقش کلیدی برای امنیت ایران و عمان و کشورهای صنعتی دارد. نظام حقوقی تنگه هرگز تحت هیچ نوع کنوانسیونی معتبر بین‌المللی قرار نداشت تا جزء استثنای عبور از تنگه

^۹ The Regional conference of plenipotentiaries on the protection and Development of the marine environment and the in this held in Kuwait in April 1978 Areas was ساحلی coastal → conference eight member states signed the accord on the Kuwait

^۸ در مقالات ۴۰٪ رقم دقیق حدود ۴۰٪ تولید نفت خام دنیا بر عهده این ۸ کشور.

اصلی مدیریت محیط زیست، ارزیابی محیط زیست قوانین و مقررات محیط زیست و توافقات مالی و ساختاری موجود در چارچوب طرح های عملیاتی به صورت شفاف و جزء به جزء در مفاد کنوانسیون لحاظ شده همچنین مسایلی مانند فرماندهی واحد در منطقه و استقرار گشت های دوره ای با همکاری کشورهای منطقه و پایش زیست محیطی پروژه ها مد نظر قرار نگرفته است از طرف دیگر از آنها که خلیج فارس در طول دهه های گذشته شاهد رخداد های جنگی متفاوت، افزایش تردد کشتی ها، بستن قرارداد با پیمان کاران خارجی طبق استانداردهای کنوانسیون و پروتکل های آن بدون در نظر گرفتن بدون در نظر گرفتن اقداماتی که مربوط به مناطق ویژه اعلام شده است می باشد با این حال هیچ اقدامی در جهت به روزآوری و بازیگری مفاد کنوانسیون صورت نگرفته است. (کشتیبان سیرکی، ۱۳۹۸: ۱۵۹)

موضوع حفاظت از محیط زیست برای رفاه و سلامت زیست بوم ها و همچنین توسعه پایدار برای جامعه جهانی بسیار با اهمیت است. برای حفاظت از دریاها به عنوان میراث مشترک بشریت طیف گسترده ای از ترسیم الگوهای راهبردی حقوقی یا یک الگوی کلی به عنوان اصول راهنما برای همه کشورها را بطور یکسان می توان در آینده متصور بود.

موضوع حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی پایدار در کانون توجه در دستور کار سازمان های بین المللی جهانی و

سطوح ملی و منطقه ای تقسیمات مقتضی را در راستای حفاظت از محیط زیست دریا در برابر آلودگی (منابع آلودگی) اتحاد کنند.

تصویب و اجرای کنوانسیون کویت نمونه ای از خرد جمعی برای مقابله با چالش های زیست محیطی منطقه خلیج فارس و دریای عمان است. تحقق آرمان های این کنوانسیون و کارآمدی این ابزار قانونی در گرو اراده سیاسی کشورهای منطقه، پای بندی آنها به تعهداتشان و اهتمام این کشورها به اجرای کنوانسیون و پروتکل های الحاقی آن است ۱۰.

مواد ۴ الی ۸ کنوانسیون کویت : ۵ منبع آلودگی را مورد شناسایی قرار داده:

۱- آلودگی ناشی از تردد کشتی ها

۲- آلودگی ناشی از تخلیه مواد زائد از کشتی و هواپیما.

۳- آلودگی ناشی از اکتشافات و بهره برداری از منابع بستر و زیر بستر دریا

۴- آموزگی واقع در خشکی

۵- آلودگی ناشی از سایر فعالیت های انسان

کنوانسیون کویت مانند کنوانسیون های منطقه ای دیگر در قالب طرح های عملیاتی قابل اجرا می باشد اما مولفه های

روش تحقیق کتابخانه ای به صورت گردآوری اطلاعات توصیفی از کتاب ها و منابع کتابخانه ای و همچنین استفاده از مقالات می باشد .

۵- اهداف تحقیق :

در این تحقیق سعی شده است با توجه به شرایط موجود و اکوسیستم طبیعی منطقه با شناخت عوامل آلوده کننده خلیج فارس به بررسی و تحلیل در باره چگونگی ایجاد این آلودگی ها و با ارائه راهکار هایی مناسب به چگونگی جلوگیری از این آلودگی ها پرداخته شود.

۶- سابقه و تاریخچه حقوق محیط زیست :

حقوق محیط زیست در بین رشته های و شاخه های مختلف حقوق از قدمت چندانی برخوردار نمی باشد و این به جهت عمر کوتاه و سابقه کم درک بشر از مقوله محیط زیست به عنوان یک علم و دانش مستقل و ضرورت حفظ و حمایت از آن است. با شدت یافتن روند توسعه بیرویه و تخریب و آلودگی محیط زیست به تدریج از دهه ۱۹۶۰ میلادی و تحت فشار افکار عمومی جهانی ناشی از هشدارها و اخطارهای اندیشمندان و دانشمندان به ویژه اکولوژیست ها، زمینه تعامل و همگرایی بین المللی برای حفظ محیط زیست فراهم و به ثمر نشست و نهایتاً در ژوئن سال ۱۹۷۲ اولین کنفرانس مهم جهانی درباره انسان و حفاظت محیط زیست در استکهلم تشکیل شده و این اجلاس تاریخی منجر به دستاوردهائی در زمینه حفظ محیط زیست بشر و توسعه حقوق محیط زیست به ویژه در معاهدات و قواعد الزام آور بین المللی گردید. در ادامه این تجربه جهانی، دومین کنفرانس در سال ۱۹۹۲

منطقه ای قرار گرفته است و علاوه بر سازمان ملل متحد، سازمان های بین المللی نیز برنامه هایی در این راستا ارائه می دهند از این رو یکی از انعکاس های مهم برگزاری کنفرانس سازمان ملل در خصوص استان و محیط زیست استکهلم ۱۹۷۲، تأسیس برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد ۳ به عنوان بازوی جهانی و اجرایی این سازمان در موضوع محیط زیست در زیرمجموعه این سازمان تشکیل گردید. بر این اساس موظف به ارزیابی وضعیت محیط زیست جهانی، تدوین برنامه های محیط زیستی در سطح جهانی و فراهم آوری بودجه لازم برای این امور گردید. (فلاحی پیشه، ۱۳۸۵: ۲۹)

۳- اهمیت و ضرورت :

اهمیت دریاها و اقیانوسها در حمل و نقل، شیلات، تامین انرژی، برخورداری از منابع عظیم معدنی و سهم آنها در برقراری توازن زیست محیطی بر همگان آشکار است. خلیج فارس دریایی است که درمقابل آلودگی بسیار آسیب پذیر است. خصوصیت نیمه بسته بودن خلیج فارس همراه با پایین بودن میزان جابجایی و تبادل آب با اقیانوس هند، کمبود میزان بارندگی سالانه و کافی نبودن آبهای ورودی به محیط همراه با تبخیر بیش از اندازه آب، به طور طبیعی ظرفیت خلیج فارس را در زمینه پخش و پراکندگی و خود پالایی آلودگی ها محدود ساخته است.

دریاها و زیستگاه های دریایی موهبت های پروردگار هستند که درک ارزش آنها از ضروریات همه جوامع بشری محسوب می شود زیرا یکی از منابع بسیار مهم برای ادامه حیات و زندگی بشر به حساب می آید.

۴- روش تحقیق :

حاصل پیوند رودخانه دجله و فرات در عراق و الحاق رود کارون در ایران به آن است ختم می شود.

طول دریای پارس از تنگه هرمز تا آخرین نقطه پیشروی آن در جانب مغرب حدود ۸۰۵ کیلومتر است. از نظر ریخت شناسی، دریای پارس نامتقارن و شیب ساحل جنوبی آن آرام تر از ساحل شمالی است. تمامی دریا روی نوعی فلات قاره یعنی دنباله و امتداد جلگه های اطراف فلات ایران قرار دارد (رشپور، ۱۳۹۹: ۱۳۲).

ب-جغرافیای تاریخی:

نام دریای پارس از کشور پارس (ایران قدیم) گرفته شده است. ایرانیان در روزگار هخامنشی این دریا را پارسا دریا یا دریای پارس می خواندند و یونانیان آن را سینوس پرسیکوس نام می دادند. در دوران اسلامی جغرافیا نویسندگان عرب و اسلامی هر دو نام را از دو تمدن باستانی گرفتند و همزمان مورد استفاده قرار دادند. پارسا دریای ایرانی را بحر فارس و سینوس پرسیکوس یونانی را «خلیج فارس» قلمداد کردند. دها مدرک باستانی عربی و اسلامی در دست است که این تئوری را مستند می سازد و از چگونگی شمول جغرافیایی این دو نام بر آبهای خاور زمین نگاره ای روشن به دست می دهد

وسعت خلیج فارس در گذشته بیشتر و تقریباً دو برابر وسعت امروز یاش بوده که به مرور زمان از وسعت آن کاسته شده است. دریای پارس امروزه با وسعتی در حدود ۲۳۷۴۷۳ کیلومتر مربع اندازه گیری شده توسط سازمان جغرافیایی نیرو های مسلح، سال ۱۳۸۶ پس از خلیج مکزیکو و خلیج هودسن سومین خلیج بزرگ جهان محسوب می شود.

در برزیل (ریودوژانیرو) تشکیل شد، ویژگی مهم دومین اجلاس محیط زیست، ورود مفهوم توسعه به کانون تصمیمات زیست محیطی و در نتیجه رویکرد جدید در این زمینه با مبنا و مفهوم توسعه پایدار می باشد. (Brunnée، ۲۰۱۹: ۸۵)

یکی از مهمترین دستاوردهای کنفرانس ریو یا اجلاس زمین (اجلاس سران زمین) تدوین و تصویب یک استراتژی جهانی برای توسعه در قرن بیست و یکم مشتمل بر ۴۰ فصل بنام دستور کار ۲۱ می باشد که می تواند الگوی بسیار مناسب حقوقی- زیست محیطی برای تحقق اهداف توسعه پایدار در کشورها از جمله کشور ما باشد. در حال حاضر قریب به ۳۰۰ معاهده و موافقتنامه بین المللی در زمینه و حوزه محیط زیست اعم از جهانی و منطقه ای منعقد گردیده است و اگر موافقتنامه ها و قراردادهای دو جانبه زیست محیطی را هم به آن اضافه کنیم این تعداد به حدود هزار قرارداد می رسد.

۷- جغرافیای خلیج فارس:

الف- جغرافیای طبیعی:

خلیج فارس بازمانده گودال بزرگی از دوران سوم زمین شناختی است که تحت تأثیر فشار ناشی از آتشفشان های فلات ایران و پایداری فلات عربستان در برابر این واکنش های تکتونیکی ایجاد شده و ژرفای آن گسترش یافته است. خلیج فارس یا دریای پارس در ۲۴ تا ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی قرار دارد و از شرق از طریق تنگه هرمز و دریای عمان به اقیانوس هند راه دارد و از غرب به رودخانه اروند رود در خوزستان ایران که

ج-جغرافیای سیاسی:

منطقه خلیج فارس شامل ۸ کشور کرانه ای است که به ترتیب عبارتند از:

ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان. بیشترین ساحل به ایران تعلق دارد و بر اساس توافق دهه ۱۹۶۰ ایران و انگلیس، بیش از ۵۱ درصد خلیج فارس از آن ایران است.

حکومت در میان کشورهای منطقه از تاریخ کیسانی برخوردار نمی باشد. در میان کشورهای منطقه، ایران طولانی ترین تاریخ را دارا می باشد. نوع حکومت در کشورهای عربی جنوب خلیج فارس پادشاهی و یا امارت است و تنها ایران و عراق هستند که دارای نظام جمهوری می باشند. خلیج فارس از گذشته های دور و از جنبه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی همواره مورد توجه بوده و امروزه نیز بر این اهمیت افزوده شده است. قدرت های بزرگ سیاسی و اقتصادی دنیا امروزه به این منطقه نگاه ویژه دارند که ناشی از نقش پر اهمیت این منطقه در معادلات اقتصادی و سیاسی جهانی است. حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس خود شاهدهی بر این مدعاست. در حال حاضر میزان نفت تولیدی از حوزه خلیج فارس توسط ۶ کشور ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر که همگی عضو کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) هستند، بالغ بر ۲۸ درصد مجموع تولید جهانی است. (صالحی، ۱۴۰۰: ۷۲)

۸-وضعیت زیست محیطی خلیج فارس و عوامل مؤثر در آن:

منطقه خلیج فارس و بویژه گستره آبی دریای پارس جزو مناطق حساس زیست محیطی دنیا به شمار می رود. در

پیدایش چنین شرایطی دو گروه از عوامل طبیعی و انسانی نقش داشته اند. در هم آمیختگی این شرایط باعث شکنندگی بیشتر محیط زیست این دریا شده است. نقش انسانی در تشدید شرایط طبیعی خلیج فارس از عوامل غیر انسانی قوی تر است.

الف - عوامل طبیعی

اگرچه از نظر اکولوژیکی خلیج فارس جزو مناطق منحصر به فرد است، اما شرایط حاکم بر این دریا نیز ویژه می باشد و می تواند به شدت نظام اکولوژیکی منطقه را برهم زند. ذخایر زیستی و اکوسیستمی خلیج

فارس جزو ذخایر مهم و ارزشمند به شمار می رود. این دریا از لحاظ دارا بودن انواع گوناگون ماهی ها و جانوران دریائی به میزان فراوان در ردیف یکی از غن یترین دریاهای جهان محسوب می شود. چنانکه ماهی و دیگر جانوران دریائی آن مانند میگو و خرچنگ یکی از اقلام صادراتی و تجاری کشورهای منطقه را تشکیل می دهد. جدا از آن مروارید و مرجان نیز از جمله دیگر ذخایر دریائی منطقه است که به ویژه مروارید خلیج فارس از قرن ها قبل شهرت جهانی داشته است. (Chen, ۲۰۲۲: ۱۲۷)

(از جمله شرایط طبیعی حاکم بر خلیج فارس که محیط زیست آن را تحت تأثیر قرار می دهند عبارتند از:

۱ ورود پساب های صنعتی و غیر صنعتی

۲ تخلیه نمک و املاح حاصل از شیرین کردن آب دریا

۳ تخلیه آب توازن نفتکش ها که همراه خود نفت خام را وارد دریا می کنند.

ب - شرایط انسانی

شرایط انسانی حاکم بر منطقه خلیج فارس و شک لگیری فعالیتهای اقتصادی متنوع و خیزش کشورهای ساحلی برای دستیابی به توسعه و رشد باعث گردیده محیط زیست خلیج فارس دچار آسیبهای زیادی شود. در ایجاد وضعیت موجود دو گروه از نیازها و تقاضاها نقش داشته اند، بخشی از نیازها و تقاضاها منطق های بوده و مربوط به کشورهای ساحلی است و بخش دیگر به سایر کشورهای جهان که به انرژی نیاز مبرم دارند.

۱- آلودگی ناشی از جنگها:

در محیط دریا مواد باقی مانده از انفجارات قبلی، گلوله های عمل نکرده و سایر مواد تسلیحاتی باعث آلودگی محیط دریا شده است. در مواردی که انفجارها از شدت بالاتری برخوردار بوده باعث شده آسیب زیادی به اکوسیستم دریائی و فرم ساحل وارد گردد. (Bremer, ۲۰۲۲: ۱۴۹)

۲- آلودگی ناشی از تخلیه فاضلابها:

از برجسته ترین عوامل انسانی دیگری که باعث ایجاد آلودگی است می توان از تخلیه فاضلاب و زباله سکونت گاه های شهری و روستائی و پسماندهای کشاورزی به همراه سایر آلودگی ها از جمله آب گرم خروجی از صنایع، مقادیر زیادی فوم، آزیست، روغن های سوخته، لاستیک های فرسوده و آهن آلات اسقاطی به عنوان دیگر عواملی نام برد که ورود این فاضلابها باعث ایجاد بار میکروبی بالا، تجمع فلزات سنگین، سموم کشاورزی در محیط های ساحلی می شوند.

۳- آلودگی نفتی خلیج فارس:

وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در این منطقه موجب شده تا فعالیتهای حفاری، استخراج، پالایش، احداث تأسیسات نفتی، عملیات بارگیری و حمل توسط سوپر تانکرها گسترش یافته و آلودگی رو به افزایش را به

محیط زیست دریائی تحمیل کنند. در حال حاضر تقریباً ۷۰ سکوی نفتی گدر خلیج فارس فعال هستند که آمارها نشان می دهد سهم قابل توجهی در آلودگی خلیج فارس دارند. به طور کلی ۱/۳ درصد میزان آلودگی نفتی جهان به این منطقه اختصاص دارد که این مقدار در واقع ۴۷ برابر میانگین مقداری است که برای این ناحیه در نظر گرفته شده است. در برخی مواقع به دلایلی نفت خام وارد دریا می شود و لکه های نفتی را پدید می آورد.

سواحل خلیج فارس نیز به واسطه لکه ها و لایه های نفتی چرب، مرتبه آلوده تر از سواحل سایر نقاط ۱۰۰ جهان گزارش شده است. لکه های نفت روی آب باعث افزایش جذب نور آفتاب و افزایش درجه حرارت محیط و به هم خوردن روند فعل و انفعالات اکولوژیک و زیستی در محیط می شوند. چسبیدن لکه های نفتی به ریشه و ساقه گیاهان دریائی آنها را می خشکاند. فتوسنتز گیاهان آبی بر اثر قرار گرفتن لایه های نفت روی سطح آب متوقف شده، جانوران آبی به علت اینکه آبشش آنها با لایه ها و قطرات نفت پوشانده می شود، دچار اختلال شده است. (Charles, ۲۰۲۲: ۱۵۹)

۹- حقوق محیط زیست

۱-۹- تعریف و قلمرو حقوق محیط زیست :

بطور کلی محیط زیست عبارت است از مجموعه ای به هم پیوسته از عوامل و شرایطی که حیات و دوام موجودات

از اصول حقوقی محیط زیست به طور اجمال و خیلی مختصر اشاره میشود:

۱- اصل حمایت و حفاظت از محیط زیست:

از اصول ویژه محیط زیست است، این اصل یک چارچوب بنیادی و یک الزام برتر حقوقی را با هدف حفاظت از منافع عمومی و حفظ سلامت مردم و ارتقاء کیفیت زندگی مشخص و بیان می کند.

۲- اصل توسعه پایدار:

این اصل از دهه ۸۰ میلادی به عنوان یک مفهوم نو و عمیق زیست محیطی مورد پذیرش جامعه قرار گرفته و بر قواعد حقوقی پرتوافکن شد. بر پایه این اصل حفاظت از محیط زیست به منظور دستیابی به توسعه پایدار باید به عنوان جزء تفکیک ناپذیر توسعه در هر کشور تلقی شود. (پورهاشمی، ۱۳۹۸: ۱۴۵)

۳- اصل حقوق نسل آینده:

در اکثر اسناد حقوق بین الملل نیز حقوق نسل ها مورد توجه و اشاره قرار گرفته است. این اصل از آن جهت که منابع و ثروت های یک کشور فقط و انحصاراً متعلق به نسل حاضر نمی باشد و آیندگان نیز حق برخورداری از آنها و محیط زیست سالم را دارند دارای اهمیت میباشد. در اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حقوق نسل های آینده مورد تاکید قرار گرفته است.

۴- اصل پیشگیری:

زنده به آن وابسته است، بر اساس تعریف فوق حقوق محیط زیست از قواعدی بحث می کند که حاکم بر روابط انسان و عوامل محیط زیست میباشد یا به عبارت دیگر حقوق محیط زیست مجموعه قواعدی است که تنظیم کننده روابط انسان و محیط زیست است. بنابراین حقوق محیط زیست رفتارها و افعال انسان را که میتواند منجر به اثرات سوء یا تخریب و آلودگی محیط زیست و منابع طبیعی گردد تحت انضباط و کنترل در میآورد. در بیان قلمرو حقوق محیط زیست، مجامع بین المللی محدوده ای را که برای محیط زیست در نظر گرفته شده است مبنا قرار میدهند اصطلاحی را که یونسکو در سال ۱۹۸۸ در برنامه انسان و کره مسکونی بکار برده یعنی لایه حیاتی یا بیوسفر پذیرفته شده ترین تعریف و مفهوم می باشد. لایه حیاتی یا بیوسفر به محدوده یا منطقیهای از کره زمین اطلاق می شود که محیط زندگی بشر تلقی یا آن بخش از جهان که بنا بر دانش کنونی انسان همه حیات در آن قرار دارد. (نوری یوشانلو، ۱۳۹۸: ۷۸)

۲-۹- اصول حقوق محیط زیست :

اصول کلی حقوقی از جمله اصول حقوق محیط زیست مبناء فراتر از قانون و قواعد معمولی دارند. این اصول در پایه ریزی و شالوده سازی یک حکم قانونی و بطور کلی در تحکیم و توسعه حقوق نقش بسیار مهم ایفا می کنند. اصول حقوقی حتی اگر به صورت قاعده مدون و قانون هم در نیایند با اتکاء بر عرف حقوقی اهمیت و تاثیر خود را در جامعه و نزد حقوقدانان دارند همانگونه که اصولی مانند وفای به عهد یا قاعده لا ضرر در حقوق کشور ما راهنمای قواعد حقوقی حمایتی در زمینه حقوق فردی هستند. ذیلاً به چند اصل مهم

اجتماع به عنوان گروه‌های اصلی و بازیگران عرصه محیط زیست (آنگونه که در دستور کار ۲۱ نیز مورد توجه قرار گرفته است) و ارد میدان عمل و فعالیت مربوط به حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی چه در ابعاد بین‌المللی و چه در سطوح ملی و محلی شده اند. از این میان میتوان به عمده ترین ذینفعان و بازیگران یعنی زنان و نوجوانان، سازمانهای غیر دولتی، مقامات محلی و متخصصین و دانشمندان اشاره کرد. (ضیایی، ۱۴۰۱: ۱۲۷)

۴-۹- محیط زیست در قانون اساسی :

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل پنجاهم به حفاظت محیط زیست اختصاص دارد. این اصل یکی از مترقی ترین اصول قانون اساسی نه تنها میان اصول دیگر بلکه در مقایسه با قوانین اساسی سایر کشورهای جهان در زمینه حفاظت محیط زیست می باشد. حفاظت محیط زیست در سند چشم انداز و سیاستهای کلی عبارتند از :

الف- در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ که ایران را در ۲۰ سال آینده کشوری توسعه یافته ترسیم کرده است، ویژگی جامعه ایرانی را در چشم انداز و افق ۱۴۰۴ برخوردار از سلامت و بهره مند از محیط زیست مطلوب توصیف می کند. به این ترتیب حفاظت از محیط زیست برای رسیدن به موقعیتی که موجبات بهره مندی جامعه ایرانی از محیط زیست مطلوب باشد یک هدف آرمانی یا چشم انداز قابل حصول تلقی می شود.

ب- سیاستهای کلی نظام که ناظر بر قانون برنامه چهارم توسعه کشور میباشد، توسط هیات دولت تدوین و با تاکید مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب مقام معظم رهبری

این اصل که به قاعده طلایی معروف است به لحاظ جنبه های اکولوژیک (زیست بوم شناختی) و اقتصادی دارای اهمیت ویژه ای است، اعمال و عنایت به این اصل که در قواعد حقوقی به صورت مقررات ارزیابی پیامدهای زیست محیطی یا ارزیابی زیست محیطی شناخته شده است از بروز توأم خسارات اقتصادی و آسیب های زیست محیطی جلوگیری می کند.

۳-۹- بازیگران اصلی حقوق محیط زیست :

در گذشته حقوق بین الملل، صرفاً دولت ها را به عنوان بازیگر اصلی روابط بین الملل و مناسبات بین المللی به رسمیت می شناخت و این دولتها بودند که مخاطب و از تاب عان حقوق بین الملل محسوب می شدند، به تدریج با ظهور و اعتبار یافتن سازمانهای بین الدولی و بعدها با تاسیس و توسعه حقوق بین الملل محیط زیست و جوامع زیست محیطی این مفهوم و تلقی سنتی دستخوش دگرگونی شد. (رشپور، ۱۳۹۹: ۵۸)

از آنجائی که بدو قواعد حقوقی مهم زیست محیطی بر اثر فشار افکار عمومی، اندیشمندان و متخصصین به دولتهایشان ظاهر و سپس در مجامع بین المللی تجلی پیدا کرد لذا به تدریج نقش و اهمیت ذینفعان و بازیگران دیگر در حقوق بین الملل محیط زیست به رسمیت شناخته شده و مورد پذیرش قرار گرفت. از جمله در کشورهای پیشرفته فشار بر تصمیم گیران و تصمیم سازان برای حفظ محیط زیست از مردم و جوامع محلی آغاز شد. امروزه در اکثر کشورها علاوه بر دولتها، مردم به عنوان بازیگران و تصمیم گیران اصلی حقوق محیط زیست شناخته شده اند. به این ترتیب گروههای مختلفی از

۱۰- مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در زمینه حفاظت و بهره برداری از تنوع زیستی دریایی:

پیشرفت های چشمگیر حیات و تکنولوژی انسانی در سال های اخیر و بویژه پس از تدوین کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها موجب بروز خطرات و آسیب های جدی به اکوسیستم ها و تنوع زیستی موجود در آن گردیده است که مواجهه با آنها نیازمند مکانیسم های حقوقی قابل اعمال و مدیریت جامع، یکپارچه و احتیاط محور است. کنوانسیون حقوق دریاها به عنوان قانون اساسی اقیانوس ها و دریاها مقررات متعددی را در خصوص حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی و اکوسیستم های آن تدوین نموده است که اگرچه محصول مذاکرات دولت ها در خصوص مسائل مبتالیه در زمان تدوین این کنوانسیون است و نه موضوعات مستحدثه تجدید، اما غالب مقررات آن به گونه ای تدوین شده که بتواند به عنوان قواعد کلی و اساسی برای اعمال بر شرایط جدید سازگاری و انطباق داشته باشد. در این راستا، بخش یازدهم کنوانسیون حقوق دریاها مشتمل بر تعهدات کلی دولتها در حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی از جمله مناطق ورای صلاحیت ملی است که می تواند از نقاط قوت کنوانسیون در تدوین نظام کلی حاکم بر حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی قلمداد شود. تنها دو نوع از مقررات پیش بینی شده در کنوانسیون حقوق دریاها به طور مستقیم بر حفاظت از تنوع زیستی دریایی قابل اعمال است؛ اول تعهد مندرج در بند ۵ ماده ۱۹۴ که مقرر میدارد اقدامات صورت گرفته در انطباق با بخش یازدهم کنوانسیون بایستی مشتمل بر اقدامات ضروری در راستای حمایت و حفاظت از اکوسیستم های کمیاب یا آسیب پذیر شامل زیست بوم در معرض نابودی، گونه های در معرض تهدید یا خطر و سایر اقسام حیات دریایی

رسیده است. سیاستهای کلی نظام در ۵۲ بند که هر یک ناظر بر امور خاصی از کشور و توسعه هستند تدوین شده است و در بند ۱۹ حفاظت محیط زیست مورد اشاره قرار گرفته است. در این بند حفاظت از محیط زیست و احیاء منابع طبیعی یکی از اصول آمایش سرزمینی محسوب و به رسمیت شناخته شده است. (صالحی، ج ۱۴۰۰: ۷۱)

۵-۹- محیط زیست خلیج فارس:

خلیج فارس از نظر گیاهان آبی و جریان مرجانی بسیار غنی است. وضعیت موجود، شرایط مناسبی جهت رشد و نمو گونه های مختلف ماهی و میگو و سایر جانداران دریایی مانند گاو دریایی و لاک پشت بوجود آورده است. گیاهان و جانوران خلیج فارس به آبزیان حارهای وابستگی دارند و جوامع زیستی آنها نیز دارای ویژگی ها و نیازهای زیست محیطی اکوسیستمهای مناطق گرمسیری است، چنین اکوسیستم یه ی متکی به انرژی خورشیدی هستند تا به بستر دریا نفوذ کرده و زمینه فتوسنتز را برای گیاهان دریایی از قبیل جلبکها و مرجانها فراهم سازند. محیط زیست منطقه بر اثر فعالیتهای گوناگون انسان دستخوش تحولاتی شده است. مهمترین این فعالیتهای که محیط زیست دریایی را نیز تهدید می نماید شامل موارد زیر میشود: - تغییرات فیزیکی محیط زیست بر اثر زهکشی، احیا زمین و فعالیتهای معدنی و مهندسی در سواحل - آلودگی ناشی از پسابهای صنعتی، استخراج نفت، فاضلابهای انسانی و کشاورزی، تخلیه زباله ها، دورریزهای کشتی ها و سکوهای نفتی در سواحل آبهای ساحلی صید بی رویه شیلات توسط کشتیهای صیادی تجاری و شیوه های نامناسب صید آبزیان دریایی. (پورنوری، ۱۳۹۸: ۵۴)

باشد. از سوی دیگر، کنوانسیون، مشتمل بر مقرراتی است که دولت‌ها را ملزم می‌کند اقدامات لازم اعم از اقدامات جمعی یا فردی را برای پیشگیری و کاهش تمامی اشکال آلودگی محیط زیست دریایی و همچنین اجتناب از انتقال آلودگی‌های ناشی از تکنولوژی و مواد سمی به دریا و یا تبدیل نوعی از آلودگی به نوعی دیگر به عمل آورند. (Horst Korn، ۲۰۲۰: ۷۶)

علاوه بر مقررات کلی مذکور، کنوانسیون حقوق دریاهای حاوی مقررات خاصی در رابطه با حفاظت از تنوع زیستی دریایی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است که بر منطقه‌های عمیق و دریاهای آزاد قابل اعمال می‌باشد. فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد اگرچه چارچوب میراث مشترک بشریت را در اعماق دریا و در ماورای محدوده سرزمینی کشورها تبیین نموده، اما تعهدات مندرج در آن در برخی زمینه‌ها از جمله موضوع حفاظت پایدار از تنوع زیستی دریایی دارای ابهامات و کاستی‌هایی است که به علت فقدان اطلاعات علمی تدوین‌کنندگان کنوانسیون نسبت به وجود منابع ژنتیکی و تنوع زیستی گسترده در مناطق ورای صلاحیت ملی پدید آمده است. از سوی دیگر به علت تعارض شکلی میان مقررات کنوانسیون به واسطه اتخاذ دو رژیم حقوقی متفاوت حاکم بر مناطق ورای صلاحیت ملی شامل دریاهای آزاد (اصل آزادی دریاهای) و منطقه‌های عمیق (نظام میراث مشترک بشریت)، موضوع تنوع زیستی دریایی و منابع ژنتیکی واقع در منطقه ورای صلاحیت ملی دولت‌ها تابع نظام حقوقی مشخصی قرار نگرفته و این امر به واسطه ماهیت ذهنی و غیر قابل تعین منابع ژنتیکی و تنوع زیستی دریایی موجب ابهامات، تضادها و اختلافات گسترده‌ای میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته در خصوص تعیین رژیم حقوقی حاکم بر منابع مذکور گردیده است. (Kristina، ۲۰۲۱: ۴۷)

کنوانسیون حقوق دریاهای اگرچه حاوی مقرراتی در ارتباط با دریاهای آزاد (بخش هفتم کنوانسیون)، منطقه‌های عمیق (بخش یازدهم کنوانسیون) یا تحقیقات علمی دریایی (بخش سیزدهم کنوانسیون) است، اما به طور مشخص موضوع منابع ژنتیکی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی را تحت شمول خود قرار نداده و همچنین در هیچ قسمتی از کنوانسیون عبارت منابع ژنتیکی دریایی «مورد استفاده یا تعریف قرار نگرفته است. در رابطه با دریاهای آزاد، بخش هفتم کنوانسیون بدون اشاره به منابع ژنتیکی دریایی، حاوی مقرراتی در خصوص تعهد دولت‌ها به اتخاذ اقداماتی برای حفاظت از منابع زنده است و به طور مشابه در رابطه با منطقه‌های عمیق، برخی تدابیر الزم برای حمایت از محیط زیست دریایی در قبال آثار زیانبخش ناشی از فعالیتهای انسانی در منطقه عمیق مقرر شده است.

در کنار رژیم دریاهای آزاد برای منابع زنده دریایی، بخش یازدهم کنوانسیون حقوق دریاهای اعلام می‌نماید که منابع غیرجاندار عمیق دریاهای ورای صلاحیت ملی، میراث مشترک بشریت به شمار می‌روند و تحت حاکمیت یک نهاد جهانی، یعنی مقام بین‌المللی اعماق قرار دارند که از جانب بشریت در کلیت آن عمل نموده و منافع مالی و اقتصادی ناشی از فعالیت‌ها در منطقه را به نحو منصفانه تسهیم مینماید. مقام بین‌المللی اعماق از اختیار وضع قواعد و اصول راهنما برای بررسی تأثیرات آثار زیست محیطی ناشی از فعالیت‌ها در منطقه برخوردار است و نیز می‌تواند استخراج منابع در مناطقی را که خطر ورود آسیب جدی به محیط زیست آن وجود دارد ممنوع اعلام نماید.

در حقیقت کنوانسیون به صراحت دامنه صلاحیت تجویزی مقام بین‌المللی اعماق را گسترش می‌دهد و آن را به حفاظت

انقراض ارگانسیمهای جوامع بیولوژیکی و ورود آسیب های جدی به آنها میگردد و لذا اصل میراث مشترک بشریت باید بر گونه های آسیب پذیر و منابع ژنتیکی واقع در اعماق دریاها حاکم باشد. همچنین مقررات کلی در کنوانسیون حقوق دریاها، بسیاری از موضوعات مربوط به حفاظت و بهره برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی و چالشهای جامعه بین المللی طی سالهای اخیر و پس از امضای کنوانسیون ایجاد گردیده اند و جامعه علمی حقوقی بین المللی کمابیش به این نتیجه دست یافته است که علی رغم نقاط قوت و ضعفی که در مقررات کنوانسیون حقوق دریاها در خصوص تنوع زیستی دریایی، مناطق ورای صلاحیت و حفاظت از محیط زیست دریایی مستتر است، نظام حقوقی موجود برای اعمال بر مقتضیات جدید کافی نبوده و باید مطابق با آنها تکمیل و اصلاح گردد.

به هر ترتیب، تعبیه مقررات مذکور در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به عنوان قانون اساسی اقیانوسها در خصوص محیط زیست و تنوع زیستی دریایی، منابع بیولوژیک و جاندار دریایی و شناسایی نهادهای قانونی همچون مقام بین المللی اعماق دریاها، نشانگر رویکرد تحولی کنوانسیون در شناسایی صلاحیت سازمانهای منطقه ای و بین المللی و کنفرانس های دیپلماتیک برای تصویب قواعد، مقررات و اتخاذ رویه های توصیه ای و احتیاطی برای پیشگیری و مقابله با تخریب محیط زیست دریایی است که خود به نوعی نوآوری کنوانسیون در دهه ۱۹۸۰ محسوب می شود. (Frakes, ۲۰۲۱: ۵۷)

به طور کلی مقررات کنوانسیون حقوق دریاها به منزله سند حقوقی مادر موجب توسعه حقوق بین الملل عرفی و معاهداتی

از منابع طبیعی منطقه و پیشگیری از ورود خسارت به گونه های گیاهی و جانوری محیط زیست دریایی قابل تسری می داند.

از یک دیدگاه میتوان چنین استنباط نمود که بخش یازدهم کنوانسیون حقوق دریاها صرفاً یک نظام حقوقی تفصیلی برای قاعدهمند نمودن استخراج و بهره برداری از مواد معدنی اعماق دریاها و توزیع منافع ناشی از آن میان دولت های عضو کنوانسیون بر مبنای اصل انصاف و انتقال تکنولوژی مربوطه به سایر کشورها مقرر می نماید و حاوی مقررات مشخصی در خصوص سایر منابع موجود در مناطق ورای صلاحیت ملی دولتها نیست. بر اساس بند ۱ ماده ۱۳۳ کنوانسیون حقوق دریاها در رابطه با نظام حقوقی منطقه، عبارت «منابع» به منزله کلیه منابع معدنی جامد، مایع یا گازی شامل کلوخه های چندفلزی که در قالب منابع داخل زیستگاه در اعماق یا کف بستر واقع می شود تعریف شده است. بسیاری از محققان معتقدند از این مفهوم چنین استنباط میشود که منابع معدنی تنها مشمول منابع غیرجاندار است و منابع ژنتیکی دریایی را دربرنمیگیرد. به علاوه تصریح ماده فوق در خصوص منابع داخل زیستگاه واقع در اعماق یا کف بستر اقیانوس موجب می شود که منابع ژنتیکی واقع در سطوح آبی از شمول این کنوانسیون مستثنی شوند. (Catherine Redgewell, ۲۰۰۶: ۱۸۸)

بنابر این تفسیر، با توجه به سکوت موجود در کنوانسیون ۱۹۸۲ در خصوص نظام حاکم بر دسترسی به منابع جاندار دریایی، تملک و تصاحب آنها با رعایت حقوق سایر ملتها و به طور آزادانه امکان پذیر است. در مقابل این تفسیر، دیدگاه دیگری وجود دارد که معتقد است رویه فوق موجب

در واقع ، حوادث تلخ زیست محیطی محرک اصلی نهضت حفاظت از محیط زیست دریائی بوده‌اند . من جمله مرگ جانداران دریائی در ابعادی گسترده در نتیجه نشت نفت خام از کشتی " توری کانیون" در ۱۹۶۷ ، تخریب و آلودگی سواحل و آب های کانال " سانتاباربارا" بر اثر نشت نفت از سکوی نفتی کمپانی یونیون در اوایل ۱۹۶۹ و ... دولت هارا بر آن داشت که از سرسختی دست برداشته و به سوی اتخاذ تدابیر بین المللی مناسب برای مبارزه با آلودگی گام بردارند؛ به ویژه آنکه با تشکیلکنفرانس جهانی استکهلم (ژوئن ۱۹۷۲) نگرش جدیدی در مورد محیط زیست به نام حقوق بشر ایجاد شد. ضرورت اقدام بین المللی مؤثر و دقیق در حفاظت از محیط زیست دریائی، با سانحه کشتی توری کانیون احساس شد. نفتکش لیبریائی توری کانیون در ۱۸ مارس ۱۹۶۷ در آب های آزاد مجاور سواحل انگلستان به یک تخته سنگ برخورد کرد و این امر سبب شد که مقدار زیادی از نفت کشتی به دریا ریخته شود. دولت انگلیس برای جلوگیری از آلودگی بیشتر تصمیم گرفت کشتی مذکور را بمباران کند و با آتش زدن بقیه محموله نفتکش از گسترش میزان آلودگی بکاهد. (کردوانی، ۱۳۹۲: ۸۹)

بعد از این حادثه نامناسب بودن اقدامات بازدارنده و قوانین در مورد مسئولیت حمل و نقل دریائی مطرح شد. بعد از این سانحه ، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۶۸، قطعنامه ۲۱۱۴ در مورد همکاری بین المللی در مسائل مربوط به دریاها و اقیانوسها را تصویب نمود و از کشورهای عضو و سازمان های بین المللی دعوت نمود که روند اتخاذ موافقتنامه های بین المللی مؤثر در جلوگیری و کنترل آلودگی دریائی را بهبود بخشند . در ۲۱ دسامبر همان سال، مجمع عمومی از دبیر کل درخواست نمود که آلودگی

در زمینه حفاظت و بهره برداری پایدار از منابع ژنتیکی و تنوع زیستی دریایی به معنای اعم آن می گردد. بدین ترتیب، در مواقعی که کاستیها و خلاهای حقوقی در مقررات کنوانسیون حقوق دریاها برای حل معضلات اقیانوس ها و دریاها آشکار می شود، توسل به رویه سازمانهای بین المللی و مقررات حقوق بین الملل عرفی در خصوص نظام حقوقی حاکم بر تنوع زیستی و منابع ژنتیکی دریایی میتواند به منزله راهکار برون رفت از بحران تلقی شود.

۱۱- مروری تاریخی بر حقوق بین الملل دریاها و حفاظت از محیط زیست دریائی :

بحث در مورد حمایت از محیط زیست دریاها و اقیانوس ها در حقوق بین الملل، موضوع نسبتاً جدیدی محسوب می شود. در واقع در همین قرن بیستم بود که انسان به اهمیت محیط زیست و پیوستگی تمام اجزاء آن به یکدیگر پی برد .

آلودگی و دیگر صدمات زیست محیطی قطع نظر از حاکمیت دولت ها و حدود ثغور آن پدید می آید و مفید این معناست که حمایت از محیط زیست باید لزوماً "بین المللی" باشد. در سال ۱۹۲۶ میلادی، کنفرانس بین المللی به دعوت ایالات متحد آمریکا تشکیل شد تا کنوانسیونی را برای محدود نمودن تخلیه نفت و گاز در دریا تشکیل دهد . اما این کنفرانس راه به جایی نبرد . چند سال بعد در ۱۹۳۵ ، تحت توجهات جامعه ملل، پیش نویس دیگری در همان مورد تهیه شد که با استقبال دولت ها مواجه نشد. جای بسی تاسف است که زمانی حمایت بین المللی از محیط زیست دریائی مورد توجه واقع شد که سوانح و تصادفات دریائی تاثیرات سوء بسیاری را بر محیط زیست دریائی گذاشتند. (رنجبر، ۱۳۹۳: ۴۲)

در این راستا در سال ۱۹۷۶ کنوانسیون برای کنترل فعالیت های اکتشاف نفت در ساحل - بعد از سانحه ۱۹۷۵ در میدانی نفتی در دریای شمال - منعقد گشت . در سطح منطقه ای نیز تحول سریع و گسترده بوده است؛ در ۹ ژوئن ۱۹۶۹ موافقت نامه "بن" راجع به همکاری در زمینه آلودگی دریای شمال به وسیله نفت میان دانمارک ، فنلاند ، سوئد و نروژ در کپنهاک امضاء شد . در ۱۵ فوریه ۱۹۷۲، کشورهای اروپائی کنوانسیون آسلو را در مورد آلودگی دریائی ناشی از دفع مواد زاید از کشتی ها و هواپیماها منعقد ساختند . کنوانسیون هلسینکی در مورد حمایت از محیط زیست دریائی منطقه دریائی بالتیک نیز پیشرفتی دیگر در مکانیسم های حقوقی حمایت از محیط زیست دریائی به شمار می رود (۲۲ مارس ۱۹۷۴) . این کنوانسیون برای اولین بار به صورتی جامع تمام اشکال آلودگی دریائی را مورد توجه قرار داد. (Taylor ، ۲۰۱۵ : ۱۲۱)

برنامه محیط زیست ملل متحد دیدگاه کنوانسیون راجع به دریای بالتیک را اتخاذ نمود و برنامه ای را برای دریاهای منطقه ای عرضه کرد. یونپ برای هر دریا یک سری موافقت نامه های عام، که شامل یک طرح و یک کنوانسیون عام برای حمایت از محیط زیست دریائی بود، مطرح ساخت که وابسته به پروتکل های خاصی بود که به مسائل معینی مثل تخلیه ضایعات و همکاری می پرداختند. در این راستا کنوانسیون منطقه ای مربوط به حمایت از دریای مدیترانه علیه آلودگی در ۱۶ فوریه ۱۹۷۶ (بارسلون) به امضاء رسید که دو پروتکل ضمیمه آن است. یکی از پروتکل ها مربوط به تخلیه ضایعات از کشتی ها و هواپیماها است و دیگری به مبارزه با آلودگی ناشی از نفت و دیگر مواد مضر در مواقع اضطراری می پردازد . بعداً دو پروتکل دیگر نیز به این کنوانسیون اضافه شد . یکی

دریاها را به دلیل گسترش استفاده از بستر دریاها مورد مطالعه قرار دهد. در طول این دوره ، تلاش های جهانی ، بر دستیابی به راه حل مسائل ناشی از سوانح مولد آلودگی جدی دریائی تمرکز یافته بود .

سانحه توری کانپون ، خود مشکل حل دعاوی در مورد غرامت و مسائل مربوط به مسئولیت در حقوق موجود را آشکار نمود . در نتیجه، ایمکو پیش نویس دو کنوانسیون را در ۱۹۶۹ آماده نمود که یکی به مسئولیت مدنی برای جبران خسارات ناشی از آلودگی نفتی و دیگری به مداخله در دریای آزاد در موارد حوادث آلودگی نفتی مربوط می شود. متعاقباً در ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲ دولت های شرکت کننده در کنفرانس لندن ، کنوانسیون مربوط به جلوگیری از آلودگی دریائی به وسیله ریزش ضایعات و دیگر مواد را امضاء کردند.

یک سال بعد نیز در لندن ، کنوانسیون جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی ها (کنوانسیون ماراپول مورخ ۲ نوامبر ۱۹۷۳) به امضاء رسید. در همان سال سومین کنفرانس ملل متحد در مورد حقوق دریاها شروع به کار نمود که بعد از سال ها تلاش کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به امضاء رسید که حدود ۶۰ ماده از آن (کل بخش دوازدهم و مواد پراکنده ای در سایر بخش ها) به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریائی اختصاص داده شد . (عباسی اشلقی، ۱۳۹۳ : ۷۳)

کنوانسیون ۱۹۷۳ مارپول در پی آن بود که از تمام آلودگی های ناشی از کشتی ها جلوگیری نماید . سپس دریافتند که حجم و شدت آلودگی ایجاد شده در دریا، در مقایسه با آلودگی نشأت گرفته از منابع مستقر در خشکی بسیار ناچیز است.

عاملی به شمار می‌رفت که توجهات را به خود جلب کرده بود، در حالی که عمده آلودگی‌ها از منابع مستقر در خشکی نشأت می‌گرفتند. در ماده دو این کنوانسیون، آلودگی این گونه تعریف شده: هر ماده‌ای که به دریا وارد شود و خطراتی برای سلامت انسان داشته باشد و به منابع زنده و حیات دریائی صدمه بزند و مانعی برای استفاده مشروع از دریاها ایجاد کند، باعث آلودگیمی گردد. تعریفی که به وسیله سازمان همکاری و اقتصادی توسعه (OECD) در سال ۱۹۷۴ ارائه شد گامی فراتر نهاد و انرژی را نیز عامل آلودگی دریائی معرفی نمود. آلودگی عبارتست از داخل کردن مواد یا انرژی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در محیط زیست به وسیله انسان که خطری برای سلامتی انسان و آثاری زیان‌بخش برای منابع جاندار و اکوسیستم‌ها داشته باشد و بر مطبوعیت آب صدمه وارد کند و برای استفاده‌های مشروع از محیط مانعی ایجاد نماید. معیاری که در تعریف فوق ملاک قرار گرفته است، اصل مضر بودن عمل برای محیط است که محدود به خسارات آنی نشده و زیان‌های آتی را نیز در برمی‌گیرد. (Bulter، ۲۰۱۴: ۱۰۸)

تعاریف فوق نشان‌دهنده این هستند که هدف حقوق بین الملل، جلوگیری از ریزش همه مواد به دریاها نیست، زیرا بسیاری از مواد خطری ندارند و یابِه سرعت توسط دریا بی‌خطر میشوند. هدف متوجه موادی است که دارای آثار مخرب هستند. با توجه به تکرار تعریف فوق در اسناد بین‌المللی و نیز فلسفه وضع قواعد مبارزه با آلودگی دریائی به نظرمی رسد توصیف فوق در عرصه حقوق بین‌المللی عرفی راه یافته باشد. با وجود این به نظر می‌رسد تعریف آلودگی از دو جهت دارای اشکال است؛ یکی اینکه به لزوم جلوگیری از تغییرات محیط‌زیست دریائی ناشی از اثرات مخرب موادی که بلافاصله اثر تخریبی آنها قابل تشخیص نیستند، توجه کافی نشده است

در مورد حمایت از دریای مدیترانه در مقابل آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی (آتن مورخ ۷ می ۱۹۸۰) و دومی مربوط به آلودگی غیرمستقیم (ژنو ۳ آوریل ۱۹۸۲). سایر دریاهای منطقه‌ای نیز به وسیله اسناد تهیه شده یونپ تحت پوشش قرار گرفتند: خلیج فارس (کنوانسیون کویت ۲۴ آوریل ۱۹۷۸) و پروتکل مربوط به آلودگی دریا ناشی از اکتشاف و بهره‌برداری از فلات قاره (۱۱ دسامبر ۱۹۸۸)، آفریقای غربی و مرکزی (آبیجان ۲۳ مارس ۱۹۸۱)، پاسیفیک جنوب شرقی (لیما ۱۲ نوامبر ۱۹۸۰)، خلیج عدن و دریای سرخ (جده ۱۴ فوریه ۱۹۸۲)، کارائیب (۲۴ مارس ۱۹۸۳)، پاسیفیک جنوبی (۲۴ نوامبر ۱۹۸۶) و از لحاظ کمی، ۳۰۰ معاهده چندجانبه، ۹۰۰ معاهده دوجانبه و بیش از ۲۰۰ سند به وسیله سازمان‌های بین‌المللی در مورد محیط زیست به امضاء رسیده‌اند که به جرات میتوان گفت تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنها به محیط زیست دریائی مربوط می‌شوند. این توجه گسترده به محیط زیست دریائی در کنفرانس‌های ۱۹۷۲ استکهلم، ۱۹۸۲ نایروبی و ۱۹۹۲ ریودوژانیرو شدت یافته است. پرواضح است که این کنوانسیون‌ها و کنفرانس‌ها همگی نشأت گرفته از توجه افکار عمومی به محیط زیست هستند و نقشی اساسی در احراز قواعد عرفی حاکم بر محیط زیست دارند. مبارزه با آلودگی و کنترل آن بیش از هر چیز مستلزم آن است که یک هماهنگی بین توصیف آلودگی و منابع ایجادکننده آن وجود داشته باشد.

کنوانسیون مارپول ۱۹۷۳ در تعریفی که از آلودگی ارائه داده، آن را محدود به آلودگی نفتی نکرده است و به سایر مواد مضر نیز در مفهوم عام کلمه پرداخته است. این نکته از آن روی حائز اهمیت است که "تا مدت زمان طولانی نفت تنها

دولت ایران قانون حفاظت رودخانه‌های مرزی و دریاچه‌ها در قبال آلودگی نفتی در تاریخ ۱۹۷۶ را وضع کرده است. قبل از این قانون، ساحل ایران به طول ۶۳۵ مایل در خلیج فارس توسط قانون ملی ایران که تا محدوده فلات قاره قلمرو آن را گسترش داده بود، در مقابل آلودگی حفاظت می‌شد. این شیوه به منظور کنترل و بازرسی کلیه کشتی‌هایی که از آبراه آزاد برای عبور استفاده می‌نمودند، برای از بین بردن خطر آلودگی اعمال شد. بر طبق این قانون ایران می‌توانست اقدامات قانونی لازم علیه کشتی‌های خود و کشتی‌هایی که قانون مبارزه با آلودگی آن را در محدوده فلات قاره نقض می‌کردند، به عمل آورد. در سطح بین‌المللی تکلیف اساسی کشورها به تدوین مقررات حفاظتی برای آلودگی ناشی از کشتی‌ها در ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۹۵۸ دریای آزاد بیان شده است: «هر کشوری مقررات مربوط به جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از تخلیه نفت از کشتی‌ها را با در نظر گرفتن مقررات قراردادی در این امر تدوین می‌نماید». تنها کنوانسیون مربوط به جلوگیری از تخلیه نفت از کشتی‌ها در زمان اتخاذ کنوانسیون ۱۹۵۸ دریای آزاد، کنوانسیون ۱۹۵۴ بود که موارد تخلیه ارادی را شامل می‌شد. به منظور کاهش آلودگی‌های نفتی ناشی از موارد تصادفات، دولت‌ها باید به وظایفی که در ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹۵۸ آمده است، عمل نمایند. بر طبق این ماده هر کشوری موظف می‌باشد که اقدامات لازم برای تأمین ایمنی کشتی‌هایی که با پرچم آن سفر می‌کنند، به عمل آورد. (لطفی، ۱۳۹۶: ۴۸)

طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، دولت‌ها موظف هستند تا در رابطه با حفظ محیط‌زیست دریایی از آلودگی کشتی‌ها، مقرراتی را به تصویب برسانند. همچنین، در این کنوانسیون تأکید شده است که برای حفاظت، کاهش و کنترل

و دیگر آنکه با در نظر گرفتن دخالت عامل انسانی در ایجاد آلودگی عملاً "برای حفاظت از محیط زیست دریائی در مقابل فعالیت های طبیعی نظیر زلزله ، آتشفشان و چاره ای اندیشیده نشده است. هر چند شاید بتوان با استفاده از کلیت ماده ۱۹۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ مونته گوبی در تاکید بر تعهد دولت ها در حمایت و محافظت از محیط زیست دریائی، حداقل بر لزوم همکاری در مبارزه با آلودگی در چنین مواردی تاکید کرد. (Cordsman ، ۲۰۱۷: ۸۱)

۱۲- منابع عمده آلودگی در خلیج فارس :

امروزه بحران آلودگی در خلیج فارس به یک معضل جهانی مبدل گردیده است. از این رو شناسایی صنایع آلوده کننده و پی بردن به میزان گسترش و شدت آن‌ها در جهت رفع یا کاهش آلودگی خلیج فارس امری ضروری به نظر می‌رسد. به طور کلی منابعی که در خلیج فارس ایجاد آلودگی می‌نماید، به موارد زیر تقسیم می‌شود:

۱-۱۲- آلودگی ناشی از کشتیرانی

به دلیل وجود ذخایر عظیم نفت در منطقه خلیج فارس، پالایشگاه‌ها، احداث متعدد تأسیسات در حوزه این منطقه و نیز تردد کشتی‌ها سبب گردیده است که یکی از مهم‌ترین آلودگی آب‌های خلیج فارس ناشی از مواد نفتی باشد که برای محیط‌زیست منطقه خلیج فارس و ساکنین سواحل آن بسیار مخرب می‌باشد. تخمین‌ها در مورد خلیج فارس حاکی از آن است که ۵۷/۱ درصد آلودگی نفتی مربوط به حمل و نقل نفت کش‌ها و ۲۲/۴ درصد مربوط به بهره‌برداری در دریا است. (لطفی، ۱۳۹۶: ۱۰)

محیط‌زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است».

فعالیت‌ها در بستر خلیج فارس به وسیله افراد با استفاده از سکوهای استخراج و تأسیسات فراوانی انجام می‌شود که شرکت نفت برای این کار گمارده و پروانه استخراج صادر نموده است. وظیفه حفاظت از محیط‌زیست دریایی در این منطقه بر عهده شرکت ملی نفت است که این شرکت استخراج کنندگان نفت را مجبور می‌نماید تا مقررات ماده ۹ قانون ۱۹۵۷ نفت را رعایت نمایند. این ماده مقرر می‌دارد که هر استخراج کننده موظف است تا مطابق رویه معمول صنعت نفت و نیز با بکارگیری اصول مهندسی و فنی مناسب ذخایر نفت را حفظ نماید. (فرشچی، ۱۳۹۶: ۸۷)

متعاقب این سیاست، شرکت ملی نفت در سال ۱۹۷۱ با قراردادی که با شرکت آمرهاوس منعقد نمود، در بند ۱ ماده ۱۲ این قرارداد مقرر داشت که هر گونه استخراج نفت از حوزه نفتی بایستی با معیارها و رویه‌های معمول و مناسب نفت مطابقت داشته باشد و در سایر قراردادهای به شروطی مانند این که شرکت باید در عملیات استخراج، منافع و حقوق ایران را در نظر بگیرد، اشاره شده است؛ اما باید متذکر شد که هیچ گونه مقرراتی در زمینه گزارش وضعیت جلوگیری از آلودگی در این قراردادها وجود ندارد. به علاوه فسخ قرارداد به علت عدم رعایت مقررات مربوط به تولید نفتی مانند قصور در اجرای قرارداد در تاریخ مقرر یا کوتاهی در انجام تعهدات مربوط به حفاری امکان‌پذیر است. در حالی که این ضمانت اجرا برای عدم رعایت مقررات حفاظت محیط زیست دریایی در موافقتنامه‌ها به چشم نمی‌خورد. هم‌چنین، این مقررات

آلودگی محیط‌زیست دریایی از کشتی‌ها، مقررات بین‌المللی قابل قبول توسط دولت‌ها اتخاذ گردد. در بند ۴ ماده ۲۱۷ این کنوانسیون آمده است که دولت‌ها ضمن تأمین اجرای مقررات و استانداردهای بین‌المللی بایستی قوانین و مقررات آن‌ها برای کنترل، کاهش و جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست دریایی ناشی از کشتی‌ها، مطابق مقررات کنوانسیون باشد.

۲-۱۲- آلودگی ناشی از فعالیت‌ها در بستر دریا

در بستر خلیج فارس تعداد بی‌شماری از تانکرهای ذخیره نفتی قرار گرفته‌اند. انتقال و نحوه ذخیره کردن نفت در آن‌ها از منابع مهم آلودگی نفتی است. بدین صورت که با تخلیه نفت، آب دریا به داخل مخزن نفوذ می‌کند و پس از پر کردن آن‌ها با نفت مجدداً آب به دریا باز گردانیده می‌شود. هم‌چنین، خطر آلودگی نفتی از لوله‌های نفتی واقع در بستر دریا برای انتقال نفت خام از سکوهای استخراج به ترمینال‌ها به منظور صادرات وجود دارد. (پورنوری، ۱۳۹۸: ۶۷)

پاسخ حقوقی در سطح ملی و بین‌المللی به آلودگی ناشی از فعالیت‌ها در بستر دریا

با وجود آن که ایران یکی از تولیدکنندگان عمده نفت در منطقه خلیج فارس می‌باشد؛ اما قانون مشخصی برای جلوگیری از آلودگی ناشی از استخراج و اکتشاف در فلات قاره تدوین ننموده است. قانون اساسی ایران در اصل ۵۰ تکلیفی را برعهده فعالیت‌های اقتصادی مبنی بر جلوگیری از آلودگی تعیین کرده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی

هیچ گونه ترتیبی برای حفظ حقوق شخص ثالث اتخاذ نکرده-
اند.

در ادامه در قانون نفت سال ۱۹۷۴ مقداری پیشرفت حاصل گردید. چنان که در ماده ۲۶ این قانون آمده است: « شرکت ملی نفت در ضمن عملیات مربوط به استخراج نفت موضوع توافقنامه‌ها، باید به حفظ منابع طبیعی خصوصاً منابع گاز طبیعی و هم‌چنین، حفظ محیط‌زیست دریایی، هوایی و خشکی توجه و التفات کند».

شرکت ملی نفت یک مرکز تحقیقات برای کاهش امکان آلودگی نفتی تأسیس کرده است که متصدیان استخراج هنگام ایجاد تأسیسات استخراج نفت در تهیه و طراحی برنامه مناسب به منظور جلوگیری از نشت از تأسیسات مرکز را کمک نمایند. هم‌چنین، در ضمن عملیات استخراج و اکتشاف، تأسیسات ساحلی و دریایی، لوله‌های نفتی و سایر مخازن نفتی را به طور مرتب بازرسی و نظارت می‌کند تا خطرات زیست‌محیطی آن‌ها را کنترل نماید. (شریعت پناهی، ۱۳۹۴ : ۸۱)

در سطح بین المللی بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۸ فلات قاره از دولت‌ها می‌خواهد که در اعمال حاکمیت بر فلات قاره جهت اکتشاف و استخراج منابع طبیعی آن دخالت و مزاحمت غیر قابل توجیه در کشتیرانی، ماهیگیری و حفاظت منابع زنده و جاندار دریا ایجاد نکنند. به عبارت دیگر، دولت ساحلی هنگام استفاده از فلات قاره خود باید آثار احتمالی مخرب زیست‌محیطی آن را بر سایر کشورهای ساحلی و یا سایر استفاده‌کنندگان از آب‌ها روی فلات قاره مورد بررسی و لحاظ قرار دهد. به علاوه، ماده ۲۴ کنوانسیون دریای آزاد تکلیفی بر دولت‌ها تعیین کرده است که موظف می‌باشند مقرراتی در رابطه با جلوگیری از آلودگی ناشی از لوله‌های نفتی و فعالیت-

های بستر دریا تدوین نمایند. هم‌چنین، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تعهدی مشابه آن‌چه در کنوانسیون ۱۹۵۸ فلات قاره وجود دارد را با دقت بیشتری بیان کرده است: « هر کشوری مکلف است قوانین و مقررات به منظور جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط‌زیست دریایی ناشی از فعالیت-های بستر دریا و تأسیسات اتخاذ نماید».

۱۲-۳- آلودگی ناشی از منابع خشکی

در منطقه خلیج فارس مواد زاید شیمیایی خصوصاً از دستگاه‌های آب شیرین‌کن به طور مستقیم به خلیج فارس می‌ریزد. این مسأله با نشت نفت از کارخانه‌ها، لوله‌ها و تانکرهای ذخیره مواد نفتی به آب‌ها تشدید می‌گردد. تمامی این فضولات از طریق رودخانه‌ها به دریا راه پیدا می‌کنند و موجب آلودگی محیط‌زیست دریایی می‌شوند. هم‌چنین، فقدان تسهیلات لازم برای جمع‌آوری فضولات و بی‌توجهی دولت‌های ساحلی که حتی فضولات تصفیه نشده را به خلیج فارس دفع می‌نمایند، نه تنها موجب تغییر شاخص‌های فیزیکی و شیمیایی آب می‌شود که خطر جدی برای محیط-زیست دریایی را فراهم می‌آورد و تلفات موجودات آبی را سبب می‌شود، بلکه تهدیدی برای سلامتی انسان می‌باشد. در این پساب‌ها انواع موجودات ریز، میکروب‌ها، ویروس‌ها و چند نوع مواد شیمیایی معین وجود دارد که عمده‌ترین آن آمونیاک و نیز مقداری آوره می‌باشد. (منزوی، ۱۳۸۹ : ۱۱۱)

پاسخ حقوقی در سطح ملی و بین المللی به آلودگی ناشی از منابع خشکی

اولین قانون ایران برای کنترل آلودگی دریایی ناشی از منابع خشکی در سال ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ با هدف حفاظت رودخانه‌ها،

قرار گیرد که سبب خسارت و زیان به سایر دولت‌ها گردد. (ورنیه، ۱۳۹۰: ۶۲)

تعهد دولت‌ها در معاهدات بین‌المللی کلی می‌باشد؛ زیرا منابع خشکی آلوده کننده از قلمرو دولت‌ها سرچشمه و از آب‌های داخلی و دریای سرزمینی آن‌ها به دریاها نفوذ پیدا می‌نماید. به منظور مبارزه با این نوع منابع، قوانین ملی در مقایسه با قوانین بین‌المللی نقش اصلی را بازی می‌کنند. خصلت ملی بودن کنترل منابع خشکی آلوده کننده مورد تأیید کشورهای خلیج فارس واقع شده است که معتقد می‌باشند معیارهای بین‌المللی یک شکل، برای مبارزه با این منابع مناسب نیست و با توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها هماهنگ نمی‌باشند. از این‌رو به اعتقاد این کشورها منابع خشکی آلوده کننده باید توسط قوانین ملی و با در نظر گرفتن مقررات بین‌المللی کنترل شوند.

۴-۱۲- آلودگی ناشی از رودخانه‌ها

یکی از منابع عمده آلوده کننده خلیج فارس، اروندرود است. دو رودخانه بزرگ دجله و فرات که از نقاط مختلف عراق می‌گذرند و سایر رودخانه‌ها مانند سواب و کارون از ایران به داخل اروندرود می‌ریزند. اروندرود با یک مصب در شهر فاو به خلیج فارس وارد می‌شود و سه بندر مهم مانند بصره، خرمشهر و آبادان در ساحل آن قرار گرفته‌اند. مواد شیمیایی مضر مانند سیانامید، سرب، مواد زاید رادیو اکتیویته و نفت از بنادر و ترمینال‌های نفتی عراق مانند خور الامیه از طریق اروندرود به خلیج فارس می‌رسد. همچنین، عراق فضولاتی مانند زواید نساجی، صابون‌سازی، مواد نفتی، کلراید سدیم، مواد زاید کارخانه‌های کاغذسازی را مستقیماً وارد رودخانه می‌نماید. مواد نفتی عمده‌ترین آلودگی را در خلیج فارس ایجاد می‌-

دریاچه‌ها و آب‌های داخلی ایران در برابر مواد مضر و آلوده کننده به تصویب رسید. در ادامه در سال ۱۳۴۷ که بسیاری از نواقص قانون قبلی را برطرف نمود، آلودگی را به وارد کردن هر ماده به داخل آب‌های داخلی که ایجاد خطر برای موجودات دریایی نماید یا کیفیت آب را به نحوی تغییر دهد که در شرایط زیست‌محیطی اثرات نامطلوب بگذارد، تعریف کرده است. مهم‌ترین قانون ایران برای کنترل آلودگی ناشی از منابع خشکی، قانون محیط‌زیست سال ۱۳۵۳ می‌باشد که سبب شکل‌گیری سازمان حفاظت محیط‌زیست شد.

جامعه بین‌المللی در پاسخ به مسأله آلودگی حاصل از منابع خشکی، مقرراتی را در معاهده ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ حقوق دریاها تدوین کرده است. در معاهده ۱۹۵۸ دریای آزاد مقرراتی وجود دارد که دولت‌ها را به همکاری با سازمان‌های ذی‌صلاح بین‌المللی در اتخاذ اقدامات لازم جهت جلوگیری از آلودگی آب دریاها ناشی از فعالیت انسان فرا می‌خواند و چنان چه در معاهده ۱۹۸۲ مقرر می‌دارد که دولت‌ها مکلفند برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریایی ناشی از منابع خشکی مقرراتی را تصویب نمایند. همچنین، در این معاهده آمده است که بایستی به خصوصیات منطقه‌ای، توان اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نیز نیاز این کشورها به توسعه اقتصادی توجه لازم گردد.

به علاوه، بر طبق حقوق بین‌الملل عرفی مذکور در پرونده کورفو و تریل اسملتر، و نیز دریاچه لانوکس و براساس اصل ممنوعیت خسارت به قلمرو سایر کشورها و اصل حسن همجواری، دولت‌ها مکلف هستند که اجازه ندهند تا آب‌های داخلی و یا آب‌های سرزمینی آن‌ها به روشی مورد استفاده

از آب‌های یک رودخانه و حوضچه بین المللی است. بر طبق آن کشورها مکلف هستند که از آلودگی آب این مکان‌ها به هر شکل جلوگیری نمایند و آلودگی آن‌ها را تحت کنترل قرار دهند و برای جلوگیری از ورود ضرر جبران‌ناپذیر به قلمرو کشورهای اطراف باید با آلودگی موجود نیز مبارزه کنند. ماده ۴ این اعلامیه آلودگی آب‌ها را به هر گونه تغییر مضر ترکیب طبیعی و محتوی و کیفیت آب در نتیجه عمل انسان تعریف می‌نماید. همچنین، این اعلامیه تأکید می‌کند که اصل بهره‌برداری مساوی از آب یک حوضچه و رودخانه بین المللی ایجاد می‌نماید که کشورهای اطراف از آلودگی آب رودخانه و حوضچه مشترک به هر نوع و شیوه جدید آلودگی و نیز از افزایش آلودگی موجود این آب‌ها به منظور جلوگیری از ورود خسارت جبران‌ناپذیر به کشورهای اطراف آن‌ها اجتناب نمایند. (اسدی، ۱۳۹۴: ۹۷)

اساس تعهد بین المللی برای حفاظت یا کنترل رودخانه‌ها در برابر آلودگی از اصل حسن همجواری یعنی «استفاده مساوی و برابر» از رودخانه‌ها نشأت می‌گیرد. طبق حقوق بین الملل عرفی، کشورها مسئول خساراتی هستند که سایر کشورهای اطراف رودخانه در اثر آلوده کردن آب متحمل می‌شوند. این قاعده حقوقی از رویه دولت‌ها به وجود آمده است و در ماده ۱۲۳ معاهده ۱۹۸۲ حقوق دریاها متبلور گردیده است. همچنین، در اعلامیه استکهلم در مورد محیط‌زیست انسان در اصل ۲۱ آمده است که اگر چه کشورها حق حاکمه برای تنظیم و سازمان‌دهی سیاست توسعه اقتصاد ملی خود را دارند؛ اما این حق حاکمه مقید به مسؤولیت و کنترل فعالیت‌هایی است که در قلمرو آن‌ها انجام می‌شود تا ضرری متوجه محیط‌زیست سایر کشورها یا ماوراء قلمرو آن‌ها نشود. لازم به ذکر است که این اصل از اعتقاد دولت‌ها به الزام‌آور بودن آن‌ها

نماید. مطالعات اخیر نشان داده است که به علت آلودگی نفتی حاصله از پالایشگاه‌ها و نفت‌کش‌ها میزان آلودگی در خلیج فارس به شدت افزایش پیدا کرده است. (عسگری، ۱۳۹۲: ۲۴)

پاسخ حقوقی در سطح ملی و بین المللی به آلودگی ناشی از رودخانه‌ها

صرف‌نظر از مقدار کمی آب شیرین که از رودخانه‌های ساحلی به خلیج فارس وارد می‌شود، اروندرود یکی از بهترین تأمین‌کننده‌های آب شیرین خلیج فارس است که اهمیت حیاتی برای موقعیت زیست‌محیطی خلیج فارس دارد. از این رو ایران برای حفاظت رودخانه اروندرود در مقابل تخلیه فصولات و زواید صنعتی و همچنین، نظارت بر مواد شیمیایی مضر که ممکن است به داخل رودخانه سرازیر شود، مسؤولیت خاصی دارد. در این مورد ایران و عراق به عنوان کشورهای ساحلی رودخانه بایستی قوانین و مقررات لازم برای جلوگیری از آلودگی آب رودخانه در پاسخ به تکالیف قراردادی و عرفی بین المللی تدوین و تصویب نمایند. همکاری اقتصادی براساس حسن همجواری در قرارداد ۱۹۷۵ ایران و عراق اتخاذ گردید. طبق بند ۲ ماده ۷ پروتکل مربوط به تعیین مرز در رودخانه‌های مرزی کشورهای متعاهد ایران و عراق یک کمیسیون مشترک برای تدوین مقررات جهت جلوگیری و کنترل آلودگی اروندرود ایجاد خواهند کرد؛ اما از آن‌جا که کشورهای ایران و عراق هنوز سیستم دو جانبه همکاری در این زمینه ایجاد نکرده‌اند، خطر آلودگی همچنان باقی است.

انجمن حقوق بین الملل در اجلاس سال ۱۹۶۶ خود در هلسینکی، قواعدی را برای نحوه استفاده از رودخانه‌های بین المللی تدوین نمود. این اقدام یکی از جامع‌ترین و مفصل‌ترین کار برای تدوین قواعد مربوط به آلودگی و نیز استفاده مساوی

حقوق بین المللی عرفی است که کشورها به محیط زیست و رای صلاحیت ملی خود زیان، خسارت یا صدمه وارد نکنند. مضافاً به اینکه چنین ممنوعیتی از اصول کلی تر حقوق بین الملل مثل اصل تمامیت ارضی دولت ها، حسن همجواری و اصل بهره برداری منصفانه نیز قابل استنباط است. (بابازاده، ۱۳۹۴: ۷۹)

" کنوانسیون ۱۹۸۲ که حاصل یک دهه فعالیت حقوقدانان، سیاستمداران و متخصصان است، کلیه دریاها و اقیانوس ها، تمام دریاهای آزاد و همچنین آب های تحت صلاحیت ملی دول را شامل می شود. کنوانسیون در مقابله با آلودگی دریائی بنا را بر اقدامات پیشگیرانه نهاده و مقرراتی را در مورد وظیفه کشورها برای اعلام خطر قریب الوقوع آلودگی، توسعه طرح های مراقبتی، مراقبت در برابر خطرات آلودگی و آموزش و همکاری وضع نموده است، ماده ۱۹۲ کنوانسیون مقرر می دارد که کشورها تعهدی عمومی در حمایت و حفظ محیط زیست دریائی دارند. اولین تعهد جلوگیری از آلودگی دریائی است.

۱۴- ماهیت تعهدات، تعهد به فعل و تعهد به نتیجه :

قواعد و مقررات مندرج در بخش ۱۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ شامل مضامین و عرصه های متفاوتی است که با قدری تعمق میتوان آنها را در دو مقوله تعهدات به فعل و تعهدات به نتیجه تقسیم بندی نمود. تعهدات به فعل یا تعهدات به وسیله به آن دسته از الزامات و تعهداتی اطلاق می شود که بنا به مقتضیات و ماهیت تعهد نتوان از متعهد انتظار داشت که نتیجه را تضمین نماید. وی تنها موظف است تمام تلاش خود را برای حصول نتیجه به کار گیرد بدون اینکه به صرف عدم حصول

و نیز تکرار آن توسط دولت‌ها برخوردار است و در قضیه تنگه کورفو تکرار شده است.

قاعده عرفی که در قضیه تریل اسملتر بیان شد و قابل اعمال به آلودگی آب‌ها به ویژه آب رودخانه‌ها است، از دولت‌ها می‌خواهد تا آب رودخانه‌های بین المللی را در برابر آلودگی حفاظت نمایند در غیر این صورت مسؤولیت بین المللی متوجه آن‌ها نخواهد شد.

۱۳- آزادی دریاها و حمایت از محیط زیست دریائی :

جامعه بین المللی به تدریج به این استاندارد دست یافت که آزادی دریاها مطلق و نامحدود نیست، ضمن اینکه به آزادی دیگران در استفاده از دریاها نیز خدشه ای وارد نمی آورد؛ اصلی که در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در مورد دریای آزاد مذکور افتاده است. کمیسیون حقوق بین الملل در تفسیر خود بر پیش نویس ماده ۲ کنوانسیون ژنو ابراز داشت که کشورها ملزمند از سوء استفاده اتباع سایر کشورها از دریاهای آزاد جلوگیری کنند. آزادی استفاده باید در راستای منافع کلیه کسانی که مستحق این استفاده هستند، اعمال گردد، یعنی برای منافع کل جامعه بین المللی. از طرفی دیگر با پیشرفت تکنولوژی، تاثیر فعالیت های صنعتی دیگر در چارچوب مرزهای جغرافیایی یک کشور محدود نشده و آلودگی ایجاد شده در یک کشور، همان طور که قضیه تریل اسملتر نشان داد، میتواند اثرات سوئی را برای سایر کشورها به دنبال داشته باشد." (کیس، ۱۳۹۴ : ۶۵) مبنای تعهد جلوگیری یا رفع آلودگی در این مورد بر این اصل استوار است که هیچ دولتی نمیتواند اجازه دهد سرزمینش به نحوی مورد استفاده واقع شود که سبب وارد آمدن زیان اساسی به دیگر کشورها گردد. " در نتیجه بسیاری بر آن شده‌اند که " این یک اصل اساسی

تعهدات بین المللی و نحوه تحقق آنها صراحت می بخشند. هر کشور اقدامات تضمینی و اداری داخلی را در رابطه با فعالیت های معین شده برای آن کشور به وسیله کنوانسیون عام، اتخاذ می کند. این سه مقوله مکمل هم هستند. تعهدات رفتاری که بدین گونه برای کشورها وضع گردیده است، نمی تواند صرفاً از طریق اتخاذ اقدامات داخلی به وسیله هر کشور جامه عمل بپوشد. ثانیاً تعهدات وضع شده از طریق بخش ۱۲ متنوع هستند. این امر بدان معناست که ضمن آنکه برخی قواعد، حکایت از نسبی بودن دقت موجود در اقدامات اتخاذی کشورها دارد (برای مثال تعهدات دولت صاحب پرچم تحت پاراگراف ۳ ماده ۲۱۷، برای تضمین این امر که کشتی هائی که پرچم آنها را بر افراشته اند یا در آنجا به ثبت رسیده اند، لازم است پیرو قواعد بین المللی و استانداردهای مورد اشاره در پاراگراف یک اقدامات مناسب را اتخاذ نماید سایر موارد به صلاحدید کشورها واگذار شده است تاوسایل اجرای آن را انتخاب کنند از این رو تمایز میان تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه، در این مورد چندان دقیق نیست. (رنجبر، ۱۳۹۳:

(۵۸)

۱۵- مبارزه علیه آلودگی آبها :

مهمترین کار برای حفاظت از محیط دریا یعنی مبارزه بر علیه ریختن مستقیم یا غیر مستقیم مواد و مایعاتی که قادر به ایجاد اثرات نامطلوب بر منابع زنده دریا (مجموعه حیوانات یا گیاهان)، سلامت بشر و فعالیتهای دریایی مانند سیل می باشند. توسط انسان در محیط می باشد. مبارزه علیه آلودگی آبها که هم جنبه بین المللی و هم جنبه داخلی به خود گرفته است، شامل سه مرحله می باشد:

نتیجه مسئولیتی متوجه وی باشد. مثل تعهد پزشک به معالجه بیمار. (غناری، ۱۳۹۶ : ۵۵)

اما منظور از تعهد به نتیجه تعهدی است که در آن متعهد حصول نتیجه را تضمین می نماید. در واقع آنچه از او مطالبه می شود. نتیجه، معنی است نه صرف تلاش برای حصول نتیجه، مثل تعهد متصدی حملو نقل در برخی از مقررات بخش دوازدهم کنوانسیون به طور واقعی تعهدات به نتیجه را بر شمرده اند و آنها را با عباراتی به نظم کشیده اند که گاه به لحاظ عمومیت و کلیت، نتیجه را به یک فرض استثنایی نزدیک می نماید. برای مثال ماده ۱۹۲ مقرمی دارد که دولت ها متعهد هستند که از محیط زیست دریائی حمایت و محافظت کنند. برخی دیگر مثل مواد ۱۹۴ و ۲۰۷ الی ۲۱۲، در واقع تعهدات به وسیله در چارچوب ماده ۲۰ طرح پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولت ها هستند با وجود این، به دو طریق، مفهوم چنین تعهداتی و تشخیص مصادیق در کنوانسیون ۱۹۸۲ دشوار گشته است. اولاً رفتاری که مواد فوق برای دولت ها لازم می دارند، به هیچ وجه محدود به اقدامات داخلی نمی شود، گرچه بسیاری از اعمال فوق مستلزم اقدامات تضمینی هستند. بررسی این قواعد حاکی از آن است که اتخاذ چنین اقداماتی در سطح داخلی قرین اقدامات قراردادی در سطح بین المللی است. بخش دوازدهم در واقع مبتنی بر یک مفهوم سه گانه است. کنوانسیون خود اصول مهمی را به دست داده است، یعنی تعهدات اصلی را بر شمرده و صلاحیت ها را معین کرده است.

کنوانسیون های فنی خاص که در سطح جهانی یا منطقه ای مورد مذاکره قرار گرفته اند و منعقد شده اند، به مضمون

آشکارا هدفی بازدارنده را تعقیب می کند که در مقدمه و ماده اول آن آمده است که دولت های عضو، باید کلیه اقدامات عملی را برای جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از تخلیه ضایعات انجام دهند. (راسل، ۱۳۹۴: ۱۰۴)

در واقع مواد زائد به سه دسته تقسیم شده اند. دسته اول که معروف به فهرست سیاه هستند و برای تخلیه آنها، نیاز به اجازه قبلی است. طبق تعریف آژانس بین المللی انرژی هسته ای، این مواد شامل انواع معینی از ترکیبات شیمیایی، ارگانوآلوزن، جیوه کادیسم، نفت، پلاستیک و ضایعات قوی رادیو اکتیو می باشد. دسته دوم متشکل از مواد زائدی است که به فهرست خاکستری موسوم هستند. این فهرست شامل آرسنیک، سرب، مس، روی، ترکیبات اورگانوآلوزن، اورگانو سیلیکان، سیانیدها، فلوراید ها، حشره کش ها، براده فلزات و مواد رادیو اکتیوی است که در ضمیمه شماره یک ذکر نشده اند. دسته سوم که مقامات ملی دولت های عضو به هنگام صدور جواز باید آنها در نظر بگیرند، شامل مشخصات ترکیب مواد، مشخصات محل ریزش، روش نگهداری و اثرات ریزش است. نظام کنوانسیون ۱۹۷۲ مبتنی بر دو مفهوم گسترده است: اولاً "تمام تخلیه های اقیانوسی باید تابع مقررات و کنترل کامل دولت باشد. اتخاذ تصمیم در مورد اینکه آیا ریزش یک ماده از لحاظ زیست محیطی بی خطر است و در این صورت تخلیه در کجا صورت گیرد، بر عهده مقامات دولتی است، نه عاملان صنعتی یا دیگر افرادی که درصدد تخلیه آن ضایعات هستند. دومین ویژگی عمده نظام کنوانسیون ۱۹۷۲ تقسیم مواد به مقولات مختلف است که شرح آن داده شد.

اسناد بین المللی مربوط به آلودگی دریائی ناشی از تخلیه مواد، کنوانسیون هلسینکی در مورد حمایت از محیط زیست

۱- جلوگیری؛ بدین معنی که کشتی ها باید احتیاطات لازم به عمل آورند تا از آلوده شدن آنها جلوگیری شود. مثلاً در خط سیر معینی، که فاصله آن از ساحل دور باشد، حرکت نمایند یا نفتکش ها باید مخازن خود را در مناطق مخصوص بندری خالی و تمیز کنند.

۲- تعقیب و رسیدگی؛ یعنی در صورت تخلف از مقررات، دادگاه های داخلی و بین المللی باید مجازاتهای کم و بیش سنگینی را برای کشتی های مجرم و دولت متبوع در نظر گیرند.

۳- جبران پولی خسارت وارده؛ یعنی کشتی مجرم و دولت متبوع وی باید خسارت وارده به پلاژها، ماهی ها، خرچنگ ها و پرندگان آلوده یا از بین رفتن را نقداً جبران نمایند.

۱۶- حقوق بین الملل دریاها و مبارزه با منابع آلودگی:

براساس بند ۵ ماده یک کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، تخلیه مواد زائد به معنای هرگونه دفع و رهاسازی ضایعات یا دیگر مواد از کشتی ها، هواپیماها، سکوها یا دیگر تاسیسات ساخت بشر در دریاست. استفاده از دریاها و اقیانوسها برای اجتناب از هزینه های بالای دفع ضایعات صنعتی یا کاهش آنها، باعث شد که در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تخلیه موادزاید در دریاها روش معمول از بین بردن ضایعات تلقی شود.

اولین معاهده که مستقیماً این مسئله را مورد توجه قرار داد، کنوانسیون در مورد جلوگیری از آلودگی دریائی ناشی از تخلیه ضایعات و دیگر و مواد در ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲ بود که همزمان در لندن، مکزیکوسیتی، مسکو و واشنگتن نیز امضاء شد. اصولاً در حقوق بین الملل محیط زیست تأکید بر جلوگیری از آلودگی است. از همین رو کنوانسیون مذکور

خسارت زیادی وارد مینماید. عمده آلودگی دریای خزر از آلودگی رودخانه و آلودگی فعالیت های دریایی و اکتشاف نفت از خلیج باکو است. در جهت کاهش آلودگی در دریای خزر ایران و شوروی سابق در ۲۵ فوریه ۱۹۷۱ پروتکلی در رابطه با همکاریهای علمی، فنی و فرهنگی امضاء کردند که قسمت دوم پروتکل مربوط به آلودگی دریای خزر است که در آن هر دو کشور به نگرانی خود در مورد آلودگی محیط زیست دریای خزر تاکید کرده و متعهد شدند تا در زمینه تبادل اطلاعات فنی و انجام پژوهشهای علمی همکاری داشته باشند.

در سال ۱۹۷۲ ایران و شوروی موافقت کردند تا یک هیئت دائمی از کارشناسان محیط زیست برای بررسی محیط زیست دریای خزر بویژه آلودگی آن تاسیس کنند. علیرغم این اقدامات حتی بعد از فروپاشی شوروی اقدام جدی برای جلوگیری از آلودگی دریای خزر بین کشورهای اطراف دریای خزر به عمل نیامده است. (رنجبر، ۱۳۹۳: ۷۰)

کشورهای اطراف دریای خزر یعنی جمهوری آذربایجان، قزاقستان، فدراسیون روسیه، ترکمنستان و ایران در ۱۳ آبان ماه ۱۳۸۲ کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر را متشکل از ۳۷ ماده امضاء کردند که ۹۰ روز پس از تاریخ سپردن سند تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق تمامی دولتهای ساحلی خزر لازم الاجرا خواهد بود.

نتیجه گیری:

گرچه حقوق بین الملل دریاها و حقوق بین الملل محیط زیست، خاصه در دهه های اخیر توسعه چشمگیری یافته اند اما مبارزه علیه آلودگی آن به تازگی آغاز شده و متناسب با نیاز جامعه بین المللی امروز توسعه نیافته و نهادینه نشده

دریای بالتیک (۲۲ مارس ۱۹۷۴) پیشرفته ترین آنهاست. این کنوانسیون تمام تخلیه ها به جزء استثنائات خاص ضمیمه ۵ خود را ممنوع کرده است. این استثنائات اساسی به پس مانده های لایروبی مربوط می شوند تا زمانی که مقدار مواد و تجمع آنها زیاد نباشد و اجازه مخصوص قبلی از مقامات ملی کسب شده باشد. اعطاء اجازه باید تحت شرایط و محدودیت های معین شده کنوانسیون صورت گیرد. به دنبال این امر اعضاء کنوانسیون ۱۹۷۲ لندن نیز تصمیم گرفتند خود را با پیشرفت های موجود همگام سازند بعد از چند سال مذاکره سرانجام در نوامبر ۱۹۹۶ آنها موفق شدند پروتکل جدیدی را منعقد کنند که هدف آن حمایت از محیط زیست دریائی در مقابل تمام منابع آلوده کننده است و نسبت به اسناد موجود، از حیث محدودیت های وضع شده و تعریف آلودگی در زمره پیشرفته ترین اسناد منابع آلوده کننده است و نسبت به اسناد موجود، از حیث محدودیت های وضع شده و تعریف آلودگی، در زمره پیشرفته ترین اسناد محسوب می شود.

۱۷- نظام حقوقی حفاظت محیط زیست دریائی از آلودگی :

آلودگی دریای خزر یکی از مشکلات عمده دریای خزر بوده که توجه کشورهای اطراف را بخود جلب کرده است. دریای خزر مستقیم یا از طریق هشتاد رودخانه فصولات و پس مانده های صنعتی و فصولات ناشی از فعالیت های ساکنین کشورهای اطراف دریافت می کند. (کیس، ۱۳۸۶ : ۹۳)

گفته می شود که سالانه هزاران تن نفت از چاه های نفتی دریایی وارد دریای خزر می شود جریانات آب در دریای خزر نفت را از جنوب به سواحل جنوب غربی و منطقه تفریحی ساکنین ایران جابجا می کند. به علاوه فصولات صنعتی و کشاورزی به محیط زیست دریایی به ویژه ذخایر خاویار

خلیج فارس مدفن و مخزن انواع آلاینده‌های بسیار خطرناک گردیده است.

از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که محیط‌زیست خلیج فارس را تهدید می‌نماید، تغییرات فیزیکی محیط‌زیست بر اثر زهکشی، احیا زمین، فعالیت‌های معدنی و پروژه‌های بزرگ مقیاس مهندسی از جمله ساخت جزایر مصنوعی در سواحل می‌باشد که حیات دریایی منطقه را مورد خطر قرار داده است. چنان که براساس برآوردهای زیست‌محیطی در هر جایی از دریا که بر آن خاک ریخته شود، موجودات بستری در آن محل کشته می‌شوند و افزون بر آن کدورت آب تا شعاع چند کیلومتری بالا می‌رود و سبب از بین رفتن مرجان‌ها، ماهیان، نرم‌تنان و دیگر جانداران دریایی می‌گردد. از دیگر فعالیت‌هایی که محیط‌زیست خلیج فارس را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد، وجود انواع منابع آلوده کننده می‌باشد که متأسفانه خساراتی بسیار حاد در بخش وسیعی از منطقه بر جای نهاده است که حتی برخی از آن‌ها غیرقابل جبران و بسیاری از آن‌ها نیز تا دراز مدت گریبان‌گیر مردم و کشورهای این منطقه خواهد بود. هم‌چنین، صید بی‌رویه شیلات توسط کشتی‌های صیادی تجاری و شیوه‌های نامناسب صید آبزیان دریایی از عواملی می‌باشد که سبب تخریب محیط‌زیست خلیج فارس گردیده است. براساس برنامه محیط‌زیست سازمان ملل، خلیج فارس از مناطق ویژه زیست‌محیطی است و دلیل آن نیز آلودگی بیش از حد این منطقه می‌باشد، به طوری که آلودگی آن ۴۷ برابر بیش از حد متوسط اعلام شده است.

اندیشه حفاظت از محیط‌زیست خلیج فارس با این تفکر که منافع تمامی کشورها در گرو سالم ماندن آن میسر می‌باشد و همگان باید در حفظ آن کوشا باشند و این که بدون مشارکت

اند. محیط‌زیست خلیج فارس از جنبه گیاهان آبزی و جریان مرجانی بسیار غنی می‌باشد. وضعیت موجود شرایط مناسبی جهت رشد و نمو گونه‌های مختلف ماهی، میگو و سایر جانداران دریایی مانند گاو دریایی و لاک‌پشت به وجود آورده است. چنان چه ماهی و دیگر جانداران دریایی آن مانند میگو و خرچنگ یکی از اقلام صادراتی و تجاری کشورهای منطقه را تشکیل می‌دهد. هم‌چنین، مروارید و مرجان‌های دریایی نیز از جمله دیگر ذخایر دریایی منطقه است. گیاهان و جانوران خلیج فارس به آبزیان حاره‌ای وابستگی دارند و جوامع زیستی آن‌ها نیز دارای ویژگی‌ها و نیازهای زیست‌محیطی اکوسیستم‌های مناطق گرمسیری است. چنین اکوسیستم‌هایی متکی به انرژی خورشیدی هستند تا به بستر دریا نفوذ کرده و زمینه فتوسنتز را برای گیاهان دریایی از قبیل جلبک‌ها و مرجان‌ها فراهم سازند.

هر چند خلیج فارس از مناطق منحصر به فرد دریایی می‌باشد؛ اما شرایط حاکم بر آن دارای ویژگی‌های خاص خود است که می‌تواند شرایط زیست‌محیطی آن را به شدت تغییر دهد. از جمله این شرایط می‌توان از خصوصیت نیمه بسته بودن خلیج فارس و تبادل اندک و ناچیز آب با اقیانوس هند، تبخیر بیش از میزان تغذیه، شوری بیش از میانگین معمول، تخلیه نمک و املاح حاصل از شیرین کردن آب دریا، ساخت جزایر مصنوعی در سواحل و ورود آب گرم حاصل از خنک کردن نیروگاه‌ها را نام برد که به طور طبیعی ظرفیت خلیج فارس را در زمینه پخش و پراکندگی و خودپالایی آلودگی‌ها محدود ساخته است. هم‌چنین، خلیج فارس شاهراه انتقال انرژی و نیز یکی از اصلی‌ترین مسیرهای ترانزیت کالا به اقصی نقاط جهان به شمار می‌آید؛ اما با وجود این مزایا پهنه آبی

دریایی از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس دچار ضعف بوده و اغلب کلی، مبهم، متناقض و یا در برخی موارد بیش از حد ملایم بوده است که در آتی به تفصیل به شرح آن خواهیم پرداخت. مهمترین نقص این کنوانسیون راجع به خلیج فارس آن است که مسأله حمایت و حفاظت از منابع زنده دریایی موجود در منطقه مذکور و نیز مسأله استفاده های پایدار از آن را مورد توجه قرار نداده و نیاز به پروتکل های تکمیلی دارد.

در اسناد عمده ای از جمله، کنوانسیون حقوق دریاها و فصل ۱۷ دستور کار ۲۱ تأکیدات بسیاری بر همکاری منطقه ای شده است و معتقدند کارآمدترین طریقه برای حفاظت از محیط زیست توسعه سازگارهای منطقه ای است علاوه بر این در همه دریاهای منطقه ای مهم از کارائیب گرفته تا اقیانوس آرام جنوبی نظام حقوقی دریایی آنها توسط کنوانسیون های منطقه ای اعمال و اجرا می شود که با مطالعه و تفحص در کنوانسیون بارسلونا با چالش های فراوانی در مرحله اجرای اهداف راهبرد مدیریتانه ای مواجه شدم که در ضمانت اجرا نیز تفاوت چندانی به چشم نمی خورد و نیاز مبرم این کنوانسیون به یک کمیسیون مدیریتانه ای و برنامه های مدیریتی و بودجه ای محسوس بوده در واقع دست کمی از کنوانسیون خلیج فارس نداشت.

۲- عدم تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل توسط برخی از کشورها از جمله امارات عدم الزام آوری این کنوانسیون را در آینده نسبت به ادعاهای جدید مطرح شده از سوی امارات درباره ساخت جزایر مصنوعی و پیشروی در آب انتظار می رود محیط زیست دریای خزر مظلومانه قربانی زیاده خواهی دولت ها گشته و با این اقدامات سیاست های مورد نظر در صحبت حفاظت از دریاها و اقیانوس ها به عنوان میراث

همگان آینده ای تاریک برای بشر در پیش روی خواهد بود، در سال های اخیر شکل گرفته است و بیش از هر زمان دیگری ضروری و حیاتی می باشد. حفاظت از این پهنه آبی عزمی ملی، منطقه ای و جهانی را می طلبد. عزمی که باید همراه با کمک دولت ها و سازمان های بین الملل منسجم شده باشد تا به عرصه ظهور برسد. جمهوری اسلامی ایران با تدوین و ارایه آیین نامه ها، پروتکل ها و موافقت نامه های زیست محیطی متکی بر اهداف مشترک کشورهای منطقه و تلاش در جهت معرفی و امضاء این موافقت نامه ها، می تواند بستر مناسبی را برای همکاری منطقه ای و بین المللی با محوریت رعایت اصول زیست محیطی دریایی به وجود آورد و ضمن تثبیت جایگاه محوری خود می تواند به الگوی منطقه ای تبدیل شود. در این راستا جهت کنترل و مهار هر نوع آلودگی در این پهنه آبی، مشارکت و همکاری همسایگان آن بیش از هر موضوعی می بایست مد نظر قرار گیرد. تعهد به کنوانسیون های مختلف، مدیریت مناسب در جهت رفع آلاینده های مختلف، نظارت دقیق و متعدد بر تردد شناورهای گوناگون و ... می تواند به عنوان گام های اولیه در رسیدن به مهار آلودگی در خلیج فارس به شمار آید.

۱- وجود سازمان ملل متحد به عنوان رکن اصلی حاکم بر حقوق بین الملل دریاها و ظهور سازمان یا کمیته های تخصصی و انعقاد انواع معاهدات و کنوانسیون ها و کنفرانس های بین المللی که همگی مدعی حفاظت از محیط زیست دریایی بعنوان منابع و میراث مشترک شرکت در ظاهر فعال و پویا بوده و هدف نهایی از اقدامات خود را منحصراً صلح آمیز و در جهت حفظ منابع بشریت در کل می دادند که با بررسی های بعمل آمده اندکی دریافتیم که علیرغم تلاش و همکاری های منطقه ای نیز کنوانسیون حفاظت از محیط زیست

نرسیده است که تا علاوه بر پیشبرد اهداف علمی و اقتصادی و بهره‌وری از محیط زیست ضمن استفاده بهینه از محیط زیست به گونه‌ای عمل شود که هیچ دگرگونی و آلودگی در محیط زیست موجود نیابد. از مداخله غیر ضروری و غیر قابل اجتناب بپرهیزیم، و با ترسیم روابط با برخی از کشورهای مهم عربی بستر مناسبی را برای ایجاد فضای همکاری و تفاهم بوجود بیاوریم و با تکیه بر اسناد حقوق بشری سعی در بدست آوردن محیط زندگی سالم و حفظ و نگهداری آن وظیفه خود را بعنوان انسان که از آن صحت بشر بوده و دارای حقوقی می‌باشد از میراث مشترک بشری که در نسل چهارم حقوق بشر قرار دارد محافظت نموده و آن را برای سال آیندگان سالم باقی گذاریم. ۱۱

خلیج فارس به عنوان پهنه آبی منحصر به فرد و نیز به عنوان یک آبراه حیاتی بین المللی علاوه بر آسیب‌های ناشی از مواد آلوده کننده، به لحاظ رشد شهرنشینی، توسعه فعالیت‌های صنعتی و بهره‌برداری غیرمنطقی از منابع آن شدیداً تحت فشار می‌باشد و به محل تخلیه عظیمی از فاضلاب‌های شهری و صنعتی مبدل گردیده است. چارچوب حقوقی حاضر برای حفاظت محیط زیست خلیج فارس کارایی لازم را ندارد؛ زیرا کشورهایمانند بحرین که فضولات خود را مستقیماً وارد این خلیج می‌نمایند، هیچ قانونی برای حفاظت محیط‌زیست دریایی تصویب نکرده‌اند. بنابراین، در جهت پاکسازی و بهسازی این خلیج از آلودگی‌ها، همکاری‌های زیست‌محیطی کشورهای پیرامون خلیج فارس در جهت تصمیم‌گیری صحیح

مشترک بشریت به بن بست خورده که راهکارهای حقوقی مناسب با دیدگاه کشورها نسبت به این قبل از اهداف و اقدامات را باید فرا روی دولت‌ها از جمله ایران ارائه کرد چرا که منافع ایران در خلیج فارس به ویژه در بعد امنیت آن با اعراب گره خورده ولی نباید انتظار داشت که مواضع ایران و اعراب در مورد اغلب مسائل منطقه‌ای و جهانی و ادعاهای پیرامون دستیابی به توسعه پایدار و ساخت جزایر مصنوعی بر هم منطبق باشد. در روابط خارجی هرگز چیزی بنام دوست یا دشمن نداریم، بلکه آنچه دایمی است منافع ملی است که به هیچ وجه قابل خرد و چشم‌پوشی و معامله نیست.

مسئله مهم و مورد بحث دیگر در ارتباط با نحوه ارزیابی خسارت محیط زیست و شیوه عنوان غرامت بر اساس چه مرجعی یا نهادی است؟

بعنوان مثال هدف ۱۴ سند ۲۰۳۰ حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی می‌باشد که شامل اهداف محیطی، اجتماعی، اقتصادی است و بیشتر بصورت یک آرمان بوده و با نقض این هدف و تعرض به بستر دریاها و آلوده کردن محیط زیست دریایی هیچگونه اعمال فشاری برای دولت‌ها وجود ندارد.

از اینرو تأکید می‌شود تا هنگامی که به یک توافق جمعی جهانی و نه فقط منطقه‌ای نرسیده ایم و تا هنگامی که زمینه‌های لازم و مرتبط جهت کشف و بهره‌برداری از منابع دریایی در اختیار نداریم و دانش و تکنولوژی بشر هنوز به آن مرحله

- جنایی ایران در قلمرو محیط زیست دریایی تألیف دکتر فرشید اکبرزاده، تهران.
- بابازاده، مینا (۱۳۹۴)، محیط زیست خلیج فارس، با تأکید بر شناخت توانهای زیست محیطی خلیج در جهت حفاظت از اکوسیستم منطقه، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- بیگ زاده، ابراهیم، افشاری، مریم (۱۳۹۰)، تغییرات آب و هوایی و پناهندگان زیست محیطی در حقوق بین الملل (فصلنامه تحقیقات مرقی).
- پورنوری، منصور (۱۳۹۸)، حقوق بین الملل دریاها، جلد اول، انتشارات مهد حقوق.
- پورهایمی، سیدعباس و اعظم پرنده مطلق (۱۳۹۸)، روشهای مواجهه با عدم قطعیت علمی در اصل احتیاطی از منظر حقوق بینالملل محیط زیست، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره نوزدهم، شماره ۲.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۶)، حق شناس، نیلوفر، ایران و حقوق بین الملل، مؤسسه انتشاراتی پازینه.
- جواد، محمد و همکاران (۱۳۹۷)، خلیج فارس و چالشهای زیست محیطی آن، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان.
- خسروشاهی، حسن (۱۳۹۸)، حقوق بین الملل دریاها، تهران، چاپ پنجم.
- راسل، جیمز (۱۳۹۴)، «ایالات متحده و خلیج فارس در قرن ۲۱ استراتژی، امنیت و جنگ در عراق»، ترجمه ایزدی، پیروز، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۹.
- رشپور، علیرضا و فرشته بنافی (۱۳۹۹)، جایگاه اصل احتیاط در حمایت از محیط زیست دریایی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۴.
- رنجبر، دکتر محسن و ندیری، مؤگان (۱۳۹۳)، ارزیابی مسائل زیست محیطی خلیج فارس، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- ساتن، فیلیپ دبلیو (۱۳۹۳)، درآمدی بر جامعه شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، ۱۳۹۳، چاپ دوم، تهران، سمت.
- شریعت پناهی، محمد (۱۳۹۴)، مبانی بهداشت محیط، انتشارات دانشگاه تهران.
- صالحی، جواد (۱۴۰۰)، دستاوردهای نظریه مشورتی دیوان بین المللی دریاها در حمایت از زیست محیط دریاها، مجله ایمنی زیستی، دوره ششم، شماره ۱۵.

و راهبردی ضرورت دارد و بایستی نظارت لازم بر کنترل کیفیت آب در اجرای برنامه‌های صنعتی خود را در قالب قوانین بهداشتی داشته باشند و اتباع خود را به اهمیت حفظ محیط‌زیست آگاه سازند. هم‌چنین، رعایت دقیق قراردادهای بین‌المللی، جلوگیری از آلودگی دریایی و ترابری صحیح قوانین و ضوابط محیط‌زیست دریایی از ملزومات هستند. به منظور کسب نتیجه مطلوب در قانونگذاری و اجرای کامل قانون کشورهای خلیج فارس، باید یک سیستم ملی تدوین و اجرای قوانین حفاظت محیط‌زیستی را پایه‌ریزی و تقویت نمایند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- فارسی :
- اسدی، بیژن (۱۳۹۴)، خلیج فارس و مسایل آن، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ اسلامی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- آنسل، مارک (۱۳۹۱)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری، علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران. کتاب سیاست

- ضیایی، سیداسر(۱۴۰۱)، جایگاه تعهدات زیستمحیطی در حقوق بین الملل سرمایه گذاری، فصلنامه پژوهش عمومی، شماره ۴۲.
- عباسی اشلقی، مجید(۱۳۹۳)، « ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس از منظر حقوق بین الملل محیط زیست »، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۸، ۴۷-۶۴.
- عسگری، سهراب، صادقی، فرزانه، خان محمدی، زهرا(۱۳۹۲)، « محیط زیست خلیج فارس، رویکردی بر اهمیت در ژئوپلیتیک منطقه »، فصلنامه سپهر، شماره ۸۹.
- غناری، پیمان(۱۳۹۶)، حفاظت محیط زیست در خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی خلیج فارس، تهران؛ اردیبهشت، چاپ دوم.
- فرشچی، پروین، دبیری، فرهاد، شجاعی، سارا(۱۳۹۶)، « بررسی ابعاد حقوقی آلودگی های نفتی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان (از دیدگاه حقوق بین الملل)، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۰، شماره ۲.
- فلاحت پیشه، شهرزاد(۱۳۸۵)، « نگاهی به برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد » مجله چشم انداز ارتباطات فرهنگی شماره ۲۵، ص ۲۹.
- قهرمانی، دکتر شهاب و همکاران(۱۳۹۵)، خلیج فارس و قدرتهای فرامنطقه ای و تحلیل ۳ جنگ اخیر خلیج فارس، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان.
- کردوانی، پرویز(۱۳۹۲)، اکوسیستم های آبی ایران (خلیج فارس و دریای عمان)، انتشارات قومس.
- کشتیبان سیرکی، کاهه، سهیلی نجف آبادی، سهیل قائدی، محمدرضا(۱۳۹۸)، « بررسی تأثیر سیاست های نظامی بر امنیت منطقه ای خلیج فارس » فصلنامه مطالعات بین المللی، سال ۱۶، شماره ۱.
- کیس، الکساندر، سند، پیتراچ، لانگ، وینفراید(۱۳۹۴)، حقوق محیط زیست، ترجمه حبیبی، محمد حسن، انتشارات دانشگاه تهران.
- لطفی، حیدر، بقایی، حمید، موسوی، سید رضا، خیامباشی، سهیل(۱۳۹۶)، « محیط زیست خلیج فارس و حفاظت از آن »، فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۹.
- مجتهدزاده، پیروز(۱۳۸۶)، « کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس سلسله نوشتاری در جغرافیای سیاسی خلیج فارس » مترجم حمیدرضا ملک محمدی، وزارت امور خارجه تهران.
- مخدوم، مجید(۱۳۸۶)، زیستن در محیط زیست، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۱.
- منزوی، محمد تقی(۱۳۸۹)، آبرسانی شهری، چاپ هجدهم، انتشارات دانشگاه تهران.
- میدوز، پی اس و همکاران(۱۳۸۱)، مبانی علوم دریایی، ترجمه جلال ولی اللهی، چاپ اول، تهران، موسسه تحقیقات شیلات ایران.
- نبی پور، ایرج و همکاران(۱۳۸۹)، خلیج فارس، چاپ اول، بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- نوری یوشانلوئی، جعفر و مونا آقاسیدجعفر کشفی(۱۳۹۸)، حقوق و تکالیف دولتها به پیشگیری و جبران آلودگی دریایی ناشی از حمل و نقل نفت در پرتو اسناد و آراء بین المللی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۹۸.
- ورنیه، ژاک(۱۳۹۰)، محیط زیست، ترجمه ایروانلو، گیلدا، انتشارات علمی و فرهنگی تهران.
- لاتین:
- Bremer, N(2022). "Post-environmental impact assessment monitoring of measures or activities with significant transboundary impact: An assessment of customary in international law", RECIEL.
- Brunnée, J(2019). "Procedure and substance in international environmental law: Confused at a higher level?" ESIL.
- Bulter, Tina(2014), Dubai's artificial islands have high environmental cost.. The Price of "The World": Dubai's Artificial Future, mongabay.com.
- Catherine Redgewell(2006), "The 1982 LOSC and Protection of the Marine Environment", In David Freestone, et al (eds) The Law of the Sea: Progress and Prospects, Oxford: Oxford University.
- Charles, A(2020). Sustainable Fishery Systems, Oxford: Blackwell Science.
- Chen, J. L., T. Pekker, C. R. Wilson, B. D. Tapley, A. G. Kostianoy, J.- F(2022). Cretaux, and E. S. Safarov, "Long-term Caspian Sea level change", Geophys. Res.
- Cordsman, Anthony H(2017), The Middle East and Geopolitics of Energy Washington Dc.
- Frakes, Jennifer(2021), "The Common Heritage of Mankind Principle and the Deep Seabed, Outer Space and Antarctica: Will Developed and Developing Nations Reach a Compromise?", Wisconsin International Law Journal.
- Horst Korn(2020), Susanne Friedrich and Ute Feit, Deep Sea Genetic Resources in the Context of the Convention on Biological Diversity and the United Nations Convention on the Law of the Sea (Germany: Federal Agency for Nature Conservation.
- Kristina M. Gjerde(2021), "Challenges to Protecting the Marine Environment beyond National Jurisdiction", International Journal of Marine and Coastal Law.
- Taylor, James(2015), Environmental Conditions of the Persian Gulf, Uni Press)